



شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران  
مدرسه علمیه معصومیه (سلام الله علیها) شهرستان شیراز

عنوان:

**بررسی جایگاه شخصیتی و حقوقی زن در اسلام**

استاد راهنما:

**سرکار خانم آهنگران**

پژوهشگر:

**اعظم بانوزاده یزدی**

پائیز ۱۳۹۶

## چکیده

زن به عنوان عنصر تشکیل دهنده اجتماع حقوق معنوی و مادی مختص به خود را دارد تبیین جایگاه ارزشی و معنوی یکی از مسائل مهم جامعه امروز است که سبب خواهد شد زنان عصر معاصر با لحاظ نمودن جنسیت خویش موقعیت رشد استعدادهای فطری و اکتسابی خود را داشته باشند، از دیگر سو حقوق معنوی زن که از جمله مهمترین آن ها حق آزادی می باشد در ادیان مختلف یهود و مسیحیت دارای تعاریف مختلفی است، که سبب شده است سیطره آزادی وی را از مسیر صحیح معنوی به سمت مسیر مادی منحرف نماید در اسلام حقوق معنوی و مادی زن متناسب با فطرت و جنسیت وی در نظر گرفته شده است لیکن در یهود و مسیحیت به واسطه مطرح کردن اعمال نظریه آزادی مطلق برای زن حقوق مادی و معنوی او را مورد تهاجم قرار داده اند، و حق همسری و مادری و دختری را با مشکل مواجه ساخته و در عرصه های اجتماعی وی را ابزار منفعت و سود جویی اقتصادی قرار داده اند، این پژوهش بر آن است که با تأکید بر آموزه های دینی حقوق معنوی زن را در اسلام و یهود و مسیحیت تبیین نماید.

کلیدواژه: نساء، حق، آزادی، معنوی

## ۱- مقدمه

زن به عنوان نیمه آفرینش همواره در تلاش است تا هم با تعقل و تجربه و هم با نگرش به ادیان و نحله های فکری، شأن وجودی و حقوقی خویش را بازشناسد. از آنجا که دین محوری ترین عامل شکل گیری عقاید، رفتارها و قوانین در تاریخ حیات بشری است؛ نگاهی به انسان و از آن جمله زن بسیار قابل دقت و بررسی است.

در تعلیمات مهم ادیان، چه ادیان توحیدی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) و چه ادیان غیر توحیدی (آئین بودا، هندو و سیک) زن به عنوان موجودی برابر و یا حتی برتر از مرد مورد توجه بوده است. بنیان گذاران یا چهره های شاخص دین، نسبت به عرف اجتماعی زنان خود به طرز عجیبی آزاد اندیش بودند. عیسی (علیه السلام) زنان را جزو پیروان خود می شمرد و در آن زمان که زنان را پشت «حصار» فرض می کردند؛ از ارتباط با زنان استقبال می کرد؛ حتی پولس رسول که به تنفر از جنس زنان شهرت دارد خود اظهار می دارد: «مرد یا زن بودن مطرح نیست؛ چرا که همه شما در نزد عیسی مسیح (علیه السلام) برابرید».

در اسلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جایگاه زن را در جامعه عرب تا حد بسیار بالایی منزلت می بخشید؛ برای زن ها سهم ارث قائل می شود؛ بیوه های تهیدست را تأمین مالی می کند؛ سنت کودک کشی را که معمولاً در مورد دختران رواج است را منسوخ می کند، در یک دین آسمانی نقش زن حتی در کنار مرد، مکمل و استحکام بخش آن دین بوده است. می توان نقش زن را در رابطه با بنیان گذار یک دین با چهار نسبت ارزیابی کرد، نسبت مادر، خواهر، همسر و دختر، در هریک از ادیان یکی از این نسبت ها برجسته تر است نسبتی که به نحوی مکمل نیز هست.

در دین یهود میریام یا مریم به عنوان خواهر حضرت موسی (علیه السلام) نقشی به سزا دارد. در

دین مسیحیت نسبت مادری مریم مقدس (سلام الله علیها) مکمل پیامبر حضرت عیسی (علیه السلام) است و در دین اسلام حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، به عنوان همسر پیامبر اسلام و همچنین وجود قدسی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به عنوان دختر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و همسر وصی او امام علی (علیه السلام) و مادر ائمه شیعه (علیهم السلام) بسیار چشمگیر است؛ بیان فوق برای هر زنی که می‌خواهد پارسا باشد و راه درستی بییماید؛ کارآمد و راه گشا است. بنابراین روشن می‌شود که ادیان برجسته جهان که ۱- منشأ حکیمانه و آسمانی دارند ۲- برای راه گشایی نوع انسان آمده اند ۳- برای گسترش و تبیین مبانی خود نیازمند نوع بشر جدای از جنسیت آنان هستند؛ چگونه می‌توانند زن را فرودست و ضعیف به شمار آورند؟ در حالی که زنان بزرگی در عرصه ادیان مختلف حضوری مؤثر و شگرف داشته و دارند.

با این وجود تردیدی نیست که زنان در طول تاریخ از شأن و موقعیت لازم و کافی برخوردار نبوده؛ و غالباً دچار ستمی مضاعف بوده اند.

با رشد روز افزون آگاهی های بشر و با افزایش آگاهی بانوان در سده های اخیر به تدریج این پرسش به طور جدی مطرح شده است که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می‌توان حقوق از دست رفته زنان را استیفا کرد. در این راستا به یقین می‌توان گفت؛ که ادیان الهی به ویژه دین خاتم، بیش از پیش از همه به احیای شخصیت زن همت گماشته و خداوند متعال با آگاهی کامل بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر از زن و مرد فراروی آنان گشوده است، این معارف و الگوهای حیات بخش هرچند در مسیر احیای شخصیت زنان بس تأثیر و توفیق داشته اند، اما متأسفانه این راه درخشان در پس ابرهای جهل و خرافه پنهان مانده و جامعه زنان چنانکه باید از میوه شیرین فرهنگ دینی بهره مند نگشته اند.

ادیان الهی چون از منبع وحی سرچشمه گرفتند؛ همگی در یک مسیر که همان رشد و کمال انسان ها است؛ قرار دارد و هیچ گونه اختلاف مهم و اساسی در ادیان الهی وجود ندارد؛ اما آنچه جای بحث و تأمل دارد؛ این است که ادیانی مثل یهودیت و مسیحیت به تدریج و مرور زمان دستخوش تحریف گردیدند و در کتاب مقدس تورات و انجیل با خرافات درآمیخت؛ لذا مطالب غیر واقعی و دور از حقیقت در این دو کتاب به وفور دیده می شود.

جایگاه و مقام زن در تورات و انجیل از این آسیب در امان نبوده است و مطالب خرافی و غیر حقیقی زیادی در مورد زن و ارزش واقعی او در این کتاب ها یافت می شود. این در حالی است که به طور کلی در فرهنگ وحی از زن به عظمت یاد شده است.

برای نمونه می توان به حضرت مریم (سلام الله علیها) اشاره کرد. حضرت مریم (سلام الله علیها) نمونه یکی از بزرگ ترین اعجازهای آسمانی معرفی می شود و وجود حضرت مسیح (علیه السلام) یکی از تجلیات کمال این زن به شمار می رود.

حضرت مریم (سلام الله علیها) با تقوا و درایت بود و لحظه ای از توجه به پروردگارش باز نمی ماند و بر اثر همین فضائل، آغوشش مهد پرورش حضرت عیسی (علیه السلام) گردید.

اسلام زن را مانند مرد برخوردار از روح کامل انسانی و برخوردار از اراده و اختیار می داند و او را در مسیر تکامل که هدف خلقت است؛ می بیند و هر دو را در یک ردیف قرار داده و با خطاب «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مخاطب ساخته است.

قرآن با این خطابش زن را که در قعر ذلت و پستی بود و از هرگونه حقوق فردی و اجتماعی خویش محروم بود، به عنوان یک موجود ناقص که فاقد روح و اراده و اختیار باشد، معرفی شده بود؛ به اوج عزت و سرافرازی صعود داد و تاج افتخار «کرمنای بنی آدم» را بر سر او نهاد و او را هم ردیف با مرد،

انسان و خلیفه الله فی الارض نامید<sup>۱</sup> در این فصل به جایگاه معرفتی و ارزشی زن در اسلام بررسی و در ادامه رویکرد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زن در اسلام بررسی می‌شود.

در این فصل ابتدا به جایگاه معرفتی و ارزشی زن در اسلام پرداخته می‌شود و در ادامه رویکرد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زن در اسلام بررسی می‌شود.

## ۱-۱- معرفت شناختی زن در اسلام

با ظهور اسلام و تعلیمات ویژه آن، زندگی زن وارد مرحله نوینی می‌گردد. اسلام زن را همچون مرد، انسان می‌داند و زن دارای استقلال، و از کلیه حقوق فردی و اجتماعی و انسانی برخوردار می‌شود.<sup>۲</sup> (این پاداش بزرگ) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می‌نگری که نورشان پیش رو و در سمت راست شان به سرعت حرکت می‌کند

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۳</sup> و به آن ها می‌گویند: بشارت باد بر شما به باغ هایی از بهشت که نهلهایی از زیر درختان آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند و این همان رستگاری بزرگ است».

اسلام زن را مانند مرد برخوردار از نوع کامل انسانی و اراده و اختیار دانسته و اراده در مسیر تکامل که هدف خلقت است می‌بیند. بدین رو مرد و زن را در یک صف قرار داده است؛ و با خطاب های «یا ایها الناس» «یا ایها الذین آمنوا...» برنامه های تربیتی و اخلاقی و علمی را برای آن ها لازم کرده است و با آیاتی مثل «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ»<sup>۴</sup> و هر کس از مرد و زن عمل نیکی به جای آورد، در حالی که مؤمن باشد». وعده برخوردار شدن از سعادت کامل به هر دو جنس داده شده؛ و با آیاتی مانند

---

<sup>۱</sup> - نگارش جمعی از پژوهشگران، مجموعه مقالات برگزیده ی ششمین جشنواره شیخ طوسی (رحمه الله علیه)، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ج ۲، ص ۱۹. ج ۲، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز نشر قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.

<sup>۲</sup> - ر.ک: احزاب (۳۳)، آیه ۳۵ / توبه (۹)، آیه ۷۲ / فتح (۴۸)، آیه ۵.

<sup>۳</sup> - حدید (۵۷)، آیه ۱۲.

<sup>۴</sup> - غافر (۴۰)، آیه ۴۰.

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۱</sup>، اما به هر زن و مرد با ایمانی که عمل شایسته انجام دهد زندگانی خوش عطا می‌کنیم، و در برابر کارهای نیکوترشان به آنها پاداش می‌دهیم».

می‌گوید: هریک از زن و مرد می‌توانند با انجام دادن برنامه های اسلام و وظایف الهی، به تکامل معنوی و مادی برسند. و به حیات پاکیزه و طیب که سراسر سعادت و نور است گام نهند.

اسلام زن را مانند مرد به تمام معنی مستقل و آزاد می‌داند و قرآن با آیاتی نظیر «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»<sup>۲</sup> هرکس در گرو اعمال خویش است»، یا «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا»<sup>۳</sup> هر کس کاری شایسته کند به سود خود اوست و هر کس بد کند به زیان خود کرده است».

این آزادی را برای عموم افراد اعم از زن و مرد بیان می‌دارد؛ و لذا در برنامه های مجازاتی هم می‌بینیم در آیاتی مثل «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ»<sup>۴</sup> زن و مرد زناکار، هر کدامشان را، صد تازیانه بزنید» و آیاتی از این قبیل هر دو را به مجازاتی واحد محکوم می‌کند.

از طرفی چون استقلال لازمه اراده و اختیار است و اسلام این استقلال را در کلیه حقوق اقتصادی می‌آورد و انواع و اقسام ارتباط مالی را برای زن بلامانع دانسته و او را مالک درآمد و سرمایه های خویش می‌شمارد؛ در آیه ۳۲ سوره نساء می‌خوانیم:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»<sup>۵</sup>

برتری هایی را که خداوند نسبت به بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده، آرزو نکنید. مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نصیبی (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد).

باتوجه به واژه «اكتساب» که بر خلاف «كسب» برای به دست آوردن مالی است که نتیجه اش متعلق به شخص به دست آورنده است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - نحل (۱۶)، آیه ۹۷.

<sup>۲</sup> - مدثر (۷۴)، آیه ۳۸.

<sup>۳</sup> - فصلت (۴۱)، آیه ۴۶ ر.ک: جاثیه (۴۵)، آیه ۱۵.

<sup>۴</sup> - نور (۲۴)، آیه ۲.

<sup>۵</sup> - نساء (۴)، آیه ۳۱.

<sup>۶</sup> - حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۹۰، ص

و نیز با در نظر گرفتن قانون کلی «الناس مسلطون علی اموالهم، مردم بر مال های خویش مسلط اند»<sup>۱</sup> به دست می‌آید چگونه به استقلال اقتصادی زن احترام گذارده و بین زن و مرد تفاوتی نگذاشته است، و خلاصه آن که زن در اسلام یک رکن اساسی اجتماع به شمار می‌رود و هرگز نباید با او معامله یک موجود فاقد اراده و وابسته و نیازمند به قییم نمود.<sup>۲</sup>

اینکه در میان زنان کسانی یافت می‌شوند که قرآن و حدیث آنان را هم صحبت فرشتگان، مورد توجه انبیاء، مقدم بر بسیاری از پیامبران الهی و کوثری از ناحیه خداوند می‌داند، خود نمایانگر والایی شخصیت انسانی زن و مراتب کمال اوست. روشن ترین آیت کمال زن آن است که قرآن کریم حضرت مریم و آسیه (سلام الله علیها) را نه تنها نمونه نیک زنان که نمونه ای برای مرد و زن مؤمن قرار داده است: و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش.» و همچنین به مریم (سلام الله علیها) دختر عمران که دامن خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود<sup>۳</sup>

همچنین اوج شخصیت انسانی زن آنگاه نمایان می شود که موعود امم حجه بن الحسن العسکری (عج الله تعالی فرجه الشریف) یک زن را مقتدای خویش قرار می دهد: «فی بنته رسول الله لی اسوه حسنه؛ دختر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برای من الگویی نیکو است.»<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، بی جا، مکتبه الاسلامیه، بی تا، ص ۲۷۲، ر.ک: اللئالی، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۴۹، ص ۴۵۷، ح ۱۸۹، نهج الحق، ص ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۵۰۴ در کتاب های فقهی به آن استدلال شده است.

<sup>۲</sup> - ر.ک: ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، صص ۱۹۷-۱۹۵.

<sup>۳</sup> - تحریم (۶۶)، آیه ۱۰ و ۱۱

<sup>۴</sup> - محمد باقر، مجلسی، همان، ج ۵۳، ص ۱۸۰ / محمد، رضائزاد، محمد تقی، سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن زن در اسلام، چاپ ۳، بی جا، نشرهاجر، ۱۳۸۵.



## ۲-۱-۲- معرفت شناختی زن از دیدگاه اندیشمندان

یکی از مسائل اساسی در موضوع زنان، این است که آیا زن و مرد از حقیقت و سرشت واحدی برخوردارند و آثاری همانند از هر دو انتظار می‌رود یا این که هریک سرشتی متفاوت دارند؛ یکی از سیرت آسمانی و الهی برخوردار است و به صعود و تعالی میل دارد و دیگری از سیرت زمینی و شیطانی سرشته شده است؛ و به همین دلیل درگیر مسائل زمینی، اختلاف و فریب و فریبندگی می‌باشد.<sup>۱</sup>

در میان مکاتب باستان و دانشمندان قدیم کم نیستند کسانی که زن را در مرتبه انسانی و همتای مرد نمی‌دانند. در یونان باستان برخی بر این اعتقاد بودند؛ که زنان پلیدتر و خوارتر از حیوانات اند؛ و حتی زن را از سلاله شیطان می‌دانستند؛ سقراط فیلسوف بزرگ یونانی، وجود زن را بزرگترین نشانه انحطاط بشریت می‌دانست.

فیثاغورث، دیگر دانشمند یونانی، معتقد بود که اصلی خوب وجود دارد که نظم، نور و مرد را آفریده است و اصلی بد که آشوب، تیرگی خون را آفریده است. همچنین ارسطو بر این باور بود که زن چیزی نیست مگر مرد ناکام، خطای طبیعت و حاصل نقصی در آفرینش.<sup>۲</sup>

به عقیده ارسطو، طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است زن را می‌آفریند. زنان و بندگان بنابر طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند.<sup>۳</sup> کتاب مقدس یهودیان عهد عتیق، خدا را عامل گناه اولیه آدم و مسئول خروج وی از بهشت می‌داند. مردان یهودی در دعای صبحگاهی خداوند را شکر می‌کنند که آنان را زن نیافریده است. مسیحیت

کلیسایی متأثر از آئین یهود و دیدگاه های رومی یونانی، زن را عامل گناه کاری اولیه می‌دانست. به

---

<sup>۱</sup> - اسدالله، جمشیدی، غلامعلی، عزیزی کیا، حسین، زارع، احمد، طاهری نیا، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی، جستاری در هستی شناسی زن، قم، مرکز انتشارات و مؤسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۳.

<sup>۲</sup> - بنوات گری، زنان از دید مردان، ترجمه محمد جعفر پوپنده، ج ۱۱، بی جا، نشر جامی، بی تا، صص ۷ و ۴۵ و ۴۷.

<sup>۳</sup> - ویل، دورانت، لذات فلسفه، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۸.

اعتقاد مسیحیان گناه اولیه آدم سبب شد این گناه در گوهر وجود همه انسان ها، سرشته شود. بنابراین انسان ها به جز عیسی (علیه السلام) و مریم (سلام الله علیها) با گناه متولد می‌شوند، از این جا نقش مهم زن (حوا) در گناهکاری عموم انسان های روی زمین مشخص می‌شود. سبب مذموم بودن ازدواج در میان مسیحیان و میل به مجرد نیز از پلید بودن ارتباط با زنان ناشی می‌شود. در سال ۵۶۸ م در فرانسه کنفرانسی برگزار شد؛ تا به این موضوع رسیدگی کنند که آیا زن انسان است یا نه؟<sup>۱</sup> توماس آکویناس پرآوازه ترین دانشمند مسیحی در قرون وسطی نیز، بر این اعتقاد بود که زن با نخستین مقصود طبیعت یعنی کمال جویی منطبق نیست؛ بلکه با دومین مقصود طبیعت یعنی گنبدیدگی بدشکلی و فرتوتی، انطباق دارد.<sup>۲</sup>

برخورد عملی با زنان نیز بر همین دید استوار بود، در قانون انگلیس، زن مملوک مرد بود؛ و مرد می‌توانست هرگاه که اراده کند او را بفروشد.

می‌توان گفت که نهضت های زنان در قرون اخیر، پاسخ طبیعی، و نه صحیح، به موضوع گذشته فرهنگ غربی، نسبت به زن بوده است؛ در جایی که زن را نیمه انسان می‌دانستند؛ طبیعی است که مکاتبی متولد شوند که مرد را عامل بدبختی جنس زن و زن را جنس برتر بدانند.<sup>۳</sup>

نیکلاس دیویدسن در این باره توصیف زیبایی دارد: «گرچه پیش از این گاه با زن به مثابه کالای جنسی رفتار می‌شد؛ اما امروزه زن، اساساً اعتبار جنسیت خود را از دست داده است و اگر بیش از این عامل اصلی بی ارزش نمودن زن، مردان بوده اند؛ امروزه خودشان این کار را انجام می‌دهند؛ اگر دشمن قدیمی او، اصالت مسائل جنسی بود، دشمن امروز او اصالت عدم جنسیت و برابری با مرد

---

<sup>۱</sup> - بنوات، گری، همان کتاب، ج ۱۱، ص ۸.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۵۷.

<sup>۳</sup> - محمد رضا، زیبایی نژاد، محمد تقی سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، چاپ سوم، بی جا، ناشر مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۵، صص ۱۲ و ۵۱.

## ۲-۱-۲-۱- بررسی اصل تساوی

### ۲-۱-۲-۱- تساوی زن و مرد در اصل آفرینش

تساوی زن و مرد در اصل آفرینش مبنای اصلی نظریه تکامل انسان در اسلام است.

خداوند متعال می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»<sup>۲</sup> ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو؛ مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید. (و نیز) از قطع رابطه با خویشان خود، پرهیز کنید زیرا خداوند مراقب شماست.»

این آیه می خواهد مردم را به تقوا و پروا داشتن از پروردگار خویش دعوت کند، مردمی که در اصل انسانیت و در حقیقت بشریت با هم متحدند و در این حقیقت، بین زن و مرد، صغیر و کبیر، عاجز و نیرومند، فرقی نیست و می خواهد دعوت کند تا مردم در باره خویش به این بی تفاوتی پی ببرند تا دیگر مرد به زن و کبیر به صغیر ظلم نکند، و با ظلم خود مجتمعی را که خداوند آنان را به داشتن آن اجتماع هدایت کرده آلوده ن سازند، اجتماعی که به منظور تتمیم سعادتشان و با احکام و قوانین نجات بخش تشکیل شده، مجتمعی که خدای عزوجل آنان را به تأسیس آن مصمم کرد، تا راه زندگیشان را هموار و آسان کند؛ همچنین هستی و بقای فرد فرد و مجموعشان را حفظ فرماید.<sup>۳</sup> از این آیه و آیات دیگری از قرآن فهمیده می شود که بشر امروز همگی فرزندان یک پدر و مادرند و قرآن پدر انسان را «آدم» معرفی کرده؛ ولی نام مادر انسان ها را مشخص نکرده اما در روایات، نام مادر انسان «حوا» است.

<sup>۱</sup> - معاونت دروس معارف اسلامی نمایندگی نهاد ولی فقیه در دانشگاه ها، نگاهی به فمینیسم، ۱۳۷۷، ص ۶۰.

<sup>۲</sup> - نساء (۴)، آیه ۱.

<sup>۳</sup> - محمد باقر، موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ص ۲۱۳.

انسان ها در نهایت به یک مرد و زن به نام آدم و حوا می‌رسند.<sup>۱</sup>

به عقیده مفسران قرآن کریم، مراد نفس واحده حضرت آدم (علیه السلام) است.<sup>۲</sup> و مراد از زوج ها آدم و حوا باشد که پدر و مادر نسل انسان است و ما نیز از آن نسل هستیم و به طوری که از ظاهر قرآن کریم برمی‌آید، همه افراد نوع انسان به این دو تن منتهی می‌شوند.<sup>۳</sup> «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً؛ و خداوند زنان و مردان بسیاری از این زن و مرد نخستین در روی زمین منتشر کرد.»

در حقیقت، همه انسان ها از یک تن، یعنی آدم آفریده شده اند، زیرا همان طور که گفتیم، حوا نیز از خود آدم متفرع است و خود منتهی است از خداوند بر همه انسان ها تا با توجه به یگانگی اصل و مبدأ خود، دست از نفاق و عداوت برداشته و در سایه دوستی و مهربانی و تعاون زندگی کنند وانگهی یگانگی اصل و مبدأ انسان هایی که امروز به رنگ ها و نژادها و ملت های گوناگون تقسیم شده اند، دلیلی است روشن بر علم و حکمت و قدرت خداوند.<sup>۴</sup>

## ۲-۱-۲-۱-۲- جایگاه جنسیتی زن

زن و مرد در آفرینش وحدت دارند و هیچ کدام از نظر جنسیت بر دیگری برتری ندارد.<sup>۵</sup> قرآن اندیشه نژاد پرستی جنسی را طرد کرده که معتقد است مرد بر زن سلطه مطلق دارد، زیرا معتقد است از جنس برتر است یا معتقد است که فرق میان مرد و زن درست همانند فرق میان انسان و حیوان است. آری قرآن این طرز تفکر را مطرود دانسته و به روشنی بیان داشته که این دیوارها و موانع در میان مردم همه ساختگی است و هیچگونه اعتباری ندارد.<sup>۶</sup>

---

<sup>۱</sup> - المیزان، ج ۴، ص ۱۴۵ / قرآن حکیم، ص ۷۷.

<sup>۲</sup> - جمعی از مترجمین، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، چاپ اول، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰، ص ۷.

<sup>۳</sup> - محمد باقر، موسوی همدانی، همان کتاب، ج ۴، ص ۲۱۴.

<sup>۴</sup> - مرتضی، حسینی، مقاله زن از یونان باستان تا تمدن اسلام، به نقل از: جمعی از پژوهشگران، حقوق و شخصیت زن در اسلام، ج ۲، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳.

<sup>۵</sup> - محسن، قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، چاپ ۱۱، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳، ص ۲۳۹.

<sup>۶</sup> - محمدتقی، مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۲، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، صص ۱۵-۱۶.

بنابراین امتیازات و افتخارات موهومی که هردسته ای برای خود درست کرده اند از قبیل امتیازات نژادی، زبانی، منطقه ای، قبیله ای و مانند آن که امروز منشأ هزارگونه گرفتاری در جامعه است، در یک جامعه اسلامی نباید وجود داشته باشد، چرا که همه از یک اصل سرچشمه گرفته و فرزندان یک پدر و مادرند و در آفرینش ز یک گوهرند.<sup>۱</sup>

همچنین خداوند متعال در آیه دیگری چنین می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛<sup>۲</sup> او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاسایید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و از پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود.»

## ۲-۱-۲-۱-۳- تساوی معنوی زن و مرد

در ادیان، نظریات مختلف پیرامون جایگاه معنوی زن مطرح می‌شود که در اسلام زن و مرد در یک درجه مراحل معنوی را می‌توانند طی نمایند، در ادیان دیگر زن در عرصه معنویت جایگاه تنزل یافته ای را دارد و شاخص‌های اصلی در ابعاد معنوی را مردان به خود اختصاص می‌دهند.

اسماء بنت عمیس با شوهر خود جعفر طیار به مدینه بازگشت،<sup>۳</sup> به دیدن زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت؛ و از ایشان پرسید: آیا درباره ی ما چیزی نازل شد؟ گفتند: نه، اسماء نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت؛ و گفت: «یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ زنان مغبون و محرومند». پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «چرا؟» گفت: «چون در (آیات) از زنان همانند مردان به نیکی یاد نشد». آیه نازل شد:<sup>۴</sup>

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَ

<sup>۱</sup> - ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶.

<sup>۲</sup> - اعراف (۷)، آیه ۱۸۹.

<sup>۳</sup> - محمد، ثقفی تهرانی، تفسیر روان جدید، ج ۴، چاپ سوم، تهران، نشر برهان، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۲.

<sup>۴</sup> - علی رضا، ذکاوتی قراگزلو، ترجمه تفسیر اسباب نزول، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۹.

الصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا، مردان و زنان مسلمانان، مردان و زنان با ایمان، مردان و زنان مطیع فرمان خدا، مردان و زنان راستگو، مردان و زنان صابر و شکیبا، مردان و زنان با خشوع، مردان و زنان انفاق کننده، مردان و زنان روزه‌دار، مردان و زنان پاکدامن که خود را از بی عفتی حفظ می‌کنند، و مردانی که بسیار به یاد خداوند هستند و زنانی که بسیار به یاد خداوند هستند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش های عظیم فراهم ساخته است.»

به دنبال بحث هایی که درباره ی وظایف همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آیات (۲۸-۳۴) سوره احزاب مطرح شد این آیه شریفه حاوی ده صفت از صفات مشترک مردان و زنان مسلمان و مؤمن است که پاداش همه یکسان می‌باشد.<sup>۲</sup>

زمانی ارزش این آیه روشن می‌شود که به تبعیضاتی که عرب و عجم در مورد زن قائل بودند؛ نگاه کنیم و تاریخ دلخراش زن را مطالعه کنیم؛ تفاوت میان زن و مرد در جسم است. روح زن و مرد ندارد و همه کمالات بشری مربوط به روح است؛ نه، لذا هر کمالاتی که در این آیه آمده است میان زن و مرد یکسان مطرح شده است.<sup>۳</sup>

در واقع آیه بیانگر آن است که از نظر عبودیت و فضیلت ایمان، مردان و بانوان در پیشگاه کبریایی یکسانند و تنها فضیلت بشریت نیروی ایمان و استقامت در ادای وظایف است؛ و هرکس که نیروی اعتقاد و انقیاد او نسبت به ساحت پروردگار زیاد باشد؛ گرمی تر خواهد بود.<sup>۴</sup>

خداوند متعال همچنان در آیه دیگری می‌فرماید:

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا، هر کسی که چیزی از اعمال صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آن ها نخواهد شد.»

در واقع با آمدن جمله (مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ) حکم را عمومیت داده تا شامل مرد و زن هر دو شود و

<sup>۱</sup> - احزاب (۳۳)، آیه ۳۵.

<sup>۲</sup> - محمد جواد، نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۱۶، چاپ اول، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ ق ص ۱۰۱.

<sup>۳</sup> - محسن، قرائتی، همان، ج ۹، ص ۱۳۶۵.

<sup>۴</sup> - محمد حسین، همدانی، تفسیر انوار درخشان، تحقیق محمد باقر مهبودی، ج ۱۲، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی

لطفی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۰۸.

<sup>۵</sup> - نساء (۴)، آیه ۱۲۴.

اختصاص به مردان نداشته باشد.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در آیه دیگری نیز می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۲</sup> خداوند به مردان و زنان مؤمن باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نه‌رها از زیر درختانش روان است، جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن‌های پاکیزه‌ای در باغ‌های بهشت، و خشنودی خداوند (از همه این‌ها) بزرگ‌تر است، این است پیروزی با عظمت».<sup>۳</sup>

## ۲-۱-۲-۱-۴- تساوی در استعدادهای انسانی

قرآن کریم درباره‌ی استعدادها و امکانات مربوط به زن و مرد نگرش یکسان یدارد؛ چنان که برخورداری از استعدادهای درونی همچون:

### ۱- برخورداری از روح الهی

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ، فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»<sup>۴</sup> و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده، می‌آفرینم، هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود (یک شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید!»

### ۲- تسویه و تعدیل در فطرت آفرینش

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ؛ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ؟»<sup>۵</sup> انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریم مغرور ساخته است؟ همان‌خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظم ساخت، و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود.»

### ۳- برخورداری از ابزار اداری

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا؛»<sup>۶</sup> ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم،

<sup>۱</sup> - محمد حسین طباطبایی، همان کتاب، ج ۵، ص ۱۴۲.

<sup>۲</sup> - توبه (۹)، آیه (۷۲).

<sup>۳</sup> - امین، کشوری، حضور اجتماعی و نقش‌های زنانه، چاپ اول، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴، صص ۱۱۴-۱۱۵.

<sup>۴</sup> - حجر (۱۵)، آیات ۲۹-۲۸ / سجده (۳۲)، ۷-۹.

<sup>۵</sup> - انفطار (۸۲)، آیات ۷-۶.

<sup>۶</sup> - انسان (۷۶)، آیه ۲.

و او را می‌آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم.»

#### ۴- داشتن فطرت الهی

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند!»

#### ۵- وجدان اخلاقی

«وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است»<sup>۲</sup>

#### ۶- حمل به امانت

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا؛<sup>۳</sup> ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود»

را برای هر دو می‌داند؛ چنان که امکانات بیرونی، نیز مانند آفرینش طبیعت چنین است.

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ؛<sup>۴</sup> آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخر شما کرد؛ و (نیز) کشتیهایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوسها حرکت می‌کنند؛ و آسمان [= کرات و سنگهای آسمانی] را نگه می‌دارد، تا جز بفرمان او، بر زمین فرو نیفتند؟ خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است.»

#### ۷- دانش

«فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛<sup>۵</sup> و اگر (به خاطر جنگ، یا خطر دیگری) بترسید، (نماز را) در حال پیاده‌یا سواره انجام دهید! اما هنگامی که امنیت خود را بازیافتید، خدا را یاد کنید! [= نماز را به صورت معمولی بخوانید!] همان‌گونه که خداوند، چیزهایی را که نمی‌دانستید، به شما تعلیم داد.»

#### ۸- فرستادن رسولان

<sup>۱</sup> - روم (۳۰)، آیه ۳۰.

<sup>۲</sup> - شمس (۹۱)، آیه ۸ و ۷.

<sup>۳</sup> - احزاب (۳۳)، آیه ۷۲.

<sup>۴</sup> - حج (۲۲)، آیه ۶۵، رک: ابراهیم (۱۴)، آیات ۳۳-۳۲ / جاثیه (۴۵)، آیه ۱۳ / نحل (۱۶)، آیه ۱۴ / بقره (۲)، آیه ۲۹.

<sup>۵</sup> - بقره (۲)، آیه ۲۳۹، رک: انعام (۶)، آیه ۹۱ / علق (۹۶)، آیات ۴-۵.



«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»<sup>۱</sup> و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

## ۹-تنزیل کتاب

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»<sup>۲</sup> (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها (ی شرک و ظلم و جهل)، به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید.»  
به زن و مرد یکسان نگریسته است.

## ۲-۱-۲- تفاوت های تکوینی

زن و مرد در جوهر انسانیت یکسان اند اما از جنبه هایی بین آن ها تفاوت هایی است.<sup>۳</sup> این تفاوت ها در جنبه جسمی، شکلی است. از لحاظ روحی نیز خصوصیات آن ها با هم فرق دارند. نه یکی بهتر است و دیگری بدتر؛ بلکه با هم متفاوتند.<sup>۴</sup>

این تفاوت ها نه محصول نقص آفرینش و طبیعت بلکه بخشی از طرح حکیمانه و هدفمند خداوند است. دو جنس در آغاز آفرینش، هم نشین و زوج یکدیگر شدند؛ و پیوند زوجیت استمرار یافت. یک زوج دایره کاملی از انسانیت را تشکیل می‌دهند، پس زن و مرد مکمل یکدیگرند. این امکان هم در ویژگی های طبیعی (نیازمندی ها و توانایی ها) و هم در حقوق و تکالیفی که آن دو در قبال یکدیگر دارند؛ پدیدار شده است. هر قدر که افراد بیشتر در پی تکمیل یکدیگر برآیند؛ زوج انسانی کارآمدتر خواهد شد. بنابراین تفاوت های طبیعی، نه سندی برای ارزشمندی و فضیلت یک جنس بر دیگری،

<sup>۱</sup> - جمعه (۶۲)، ۲.

<sup>۲</sup> - ابراهیم (۱۴)، آیه ۱، رک: بقره (۲)، آیه ۱۸۵.

<sup>۳</sup> - فریده، مصطفوی خمینی، فاطمه، جعفری ورامینی، زن از نظر اسلام، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۴۷.

<sup>۴</sup> - هما، خراسانی، تفاوت های زن و مرد، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۱۳.

بلکه راهی برای گذراندن یک زندگی ایده آل است.<sup>۱</sup>

تنوع وظیفه خاص، نه سبب پایین تر بودن است و نه نتیجه آن؛ زیرا تنوع به طور یکسان در وظیفه زن و مرد مشاهده می‌شود؛ در حقیقت تنوع وظیفه، سبب یا نتیجه برتری و فزونی نیست، زیرا تنوع وظیفه از عوامل خارجی تعیین کننده وظیفه زن و مرد ناشی می‌شود.

با تنوع و تفاوت ارزشی - اخلاقی ناشی از ماهیت و هستی انسان ارتباطی ندارد.<sup>۲</sup> تفاوت زن و مرد جزئی و ساده نیست؛ تا کسی بگوید این تفاوت های تکوینی؛ همانند تفاوت در قد، رنگ، وزن و نژاد است و نباید به خاطر این تفاوت ها قوانینی متفاوت داشته باشند.<sup>۳</sup> همین تفاوت ها است که منشأ کمال و موجب احساس نیاز متقابل و زمینه بقای حیات انسانی و اجتماعی و تحکیم پیوندها می‌شود. نادیده انگاشتن این تفاوت ها که چیزی جز رحمت و حکمت الهی نیست، به معنای مبارزه با واقعیاتی است که بود و نبود آن ها به نوع و خواست این و آن بستگی ندارد.<sup>۴</sup>

خانم سمپروزو از روانشناسان معروف می‌گوید: «طبیعت زن و مرد یکسان آفریده نشده و اگر یکسان آفریده می‌شد؛ هرآینه اتحاد آنان غیر ممکن می‌شد و جامعه بشری تشکیل نمی‌یافت».<sup>۵</sup> تفاوت ها و تمایزات زن و مرد به طور کلی در چهار زمینه ذهنی، جسمانی، روانی و اخلاقی/عاطفی قابل بررسی و مطالعه است.<sup>۶</sup>

## ۱-۲-۲-۱-۲- جنبه جسمانی

مرد از نظر اندام، درشت تر و از نظر قد بلندتر از زن است.<sup>۷</sup> رشد بدنی زن سریع تر و رشد بدنی مرد مرد کندتر است. حتی گفته می‌شود، جنین دختر سریع تر از جنین پسر رشد می‌کند. مقاومت زن در

<sup>۱</sup> - فریبا، غلاسوند، زن در اسلام، ج ۲، چاپ اول، قم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۰ش، صص ۷۹-۸۰.

<sup>۲</sup> - محمد مهدی، شمس الدین، حدود و پوشش نگاه در اسلام، ترجمه محسن عابدی، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۱۱۶.

<sup>۳</sup> - سعید، داودی، زنان و سه پرسش اساسی، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۲۲۹.

<sup>۴</sup> - ضیاء مرتضوی، درآمدی بر شناخت مسائل زنان، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۴۸.

<sup>۵</sup> - محمد، حکیم پور، زن در کشاکش سنت و تجدد، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۱۲۹.

<sup>۶</sup> - همان، ص ۱۳۳.

<sup>۷</sup> - هادی، قطبی، منزلت زن از منظر دیگر، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۷۴.

مقابل بسیاری از بیماری ها، از مقاومت مرد بیشتر است. دختر زودتر از پسر به سخن می‌آید و زودتر به مرحله بلوغ می‌رسد.<sup>۱</sup> در تمام نژادها، میزان ظرفیت جمجمه و مقدار مواد نخاعی زن از مرد کمتر است، به همان نسبت در همه نژادها قد زن از مرد کوتاه تر است. مغز زن در تمامی نژادها به نسبت صد تا دویست گرم از مرد کمتر است.<sup>۲</sup> ریه مرد توانایی تنفس هوای بیشتری را دارد، اما ضربان قلب زن سریع تر است. دستگاه تناسلی زن و مرد کاملاً متفاوتند. نقش زن در بارداری و پرورش فرزند بسیار بیش از مرد است. دوران قاعدگی و ضعف جسمی تنها در زن وجود دارد، نیز تفاوت های دیگری را می‌توان میان آن دو برشمرد.

زن و مرد در غدد تناسلی و اعضای تناسلی داخلی و خارجی با هم متفاوت اند. در توان باروری، بلوغ جنسی، میل جنسی و ارگانیسم و سلول تخم (اسپرم و تخمک) تفاوت های غیر قابل در دو جنس مشاهده می‌شود.<sup>۳</sup> دوران بلوغ جنسی زن زودتر آغاز می‌شود و خیلی دیرتر از مردان پایان می‌پذیرد. نشانه های بلوغ در دختر و پسر متفاوت است. حساسیت پوست زنان نسبت به فشار و درد ده برابر بیشتر از مردان است. پوست زن نازک تر از پوست مرد است، ولی یک لایه چربی زیر آن قرار دارد که باعث می‌شود زنان، قدرت تحمل سرما را بیش از مردان داشته باشند.<sup>۴</sup>

زن هنگام تولد برای اجرای وظایف حیات مجهزتر از مرد است و به همین دلیل بلوغ او زودتر فرا می‌رسد و دوره جوانی اش کمتر است، اما در عوض مقاومت جسمی و روحی او در برابر بیماری ها- به ویژه بیماری های عفونی - بیشتر از مردان است و به طور متوسط تقریباً هفت سال از مرد بیشتر عمر می‌کند. آمار پیرزن های بالای صد سال در جهان، نه برابر پیرمردان است.

## ۲-۱-۲-۲-۲- جنبه ذهنی

---

<sup>۱</sup> - جمعی از خواهران پژوهش گر غیر ایرانی، جایگاه زن در اسلام و غرب، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۱۲۰.

<sup>۲</sup> - محمد، حکیمی، دفاعاز حقوق زن، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰.

<sup>۳</sup> - جمعی از نویسندگان، کتاب زن، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۲۹.

<sup>۴</sup> - هما، خراسانی، همان، صص ۱۶-۱۵.

زنان به طور کلی در فراگیری علوم و فنونی که با انفعالات عاطفی و حسّ نوع دوستی غریزی آنها مرتبط باشند، از مردان جلوتر هستند. آنان از نوعی بینش حسی بهره مندند که خارج از دایره اراده ایشان است. حال آن که مردان اصولاً از چنین بینشی بی بهره اند، بالعکس، آنها از نیروی فکری قوی تری نسبت به زنان برخوردارند و از روح شدید نقّادی و تشکیک ورزی در مقولات بهره مند هستند.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۲-۲-۳- جنبه روحی و روانی

منبع عمده تصمیم گیری و قضاوت در زن، احساس است. همه چیز برای او از دیدگاه احساس تفسیر و بررسی می‌شود. عاطفه و محبت بر عقل او می‌چربد. زن عواطف قوی دیگرخواهی را بیش از خودخواهی دارد و نمونه کامل آن ایثار و گذشت مادری است که مشقت حمل جنین را به جان می‌خرد و با شیر جانش خود، او را تغذیه کرده، شب‌ها و روزها را در تربیت و رشدش می‌کوشد و این موجب شده که به محور وارستگی روحی نزدیک تر و از امیال حیوانی دورتر باشد و بتواند عهده دار امور معنوی جامعه چون پرستاری، معلمی و مربی کودک شود.<sup>۲</sup> سیستم مغزی زنان به موضوع همدلی و همدردی، به شدت حساس است. سیستم مغزی مردان عمدتاً نسبت به درک و ساخت نظام و سیستم، بسیار حساس است.<sup>۳</sup> با وجود این که برخی ادعا کرده اند، بعضی حواسّ در مردان و برخی دیگر در زنان قوی تر است. تحقیقات علمی ثابت کرده است، حواسّ اصلی (پنجگانه) در زنان قوی تر از مردان است.

زنان اصولاً درون گراتر از مردان هستند. آنها بسیار بیشتر از مردان در باطن خویش تأمل می‌کنند و از آنجا که نوعاً ایثارگراتر و دیگرخواه تر از مردان هستند، علی‌الاصول زمینه بهتری برای درک امور معنوی و قدسی دارند. در کل باید گفت، زنان از احساس مذهبی قوی تری برخوردارند و از کجا معلوم که همین احساس مذهبی نیست که زنان را به تحمل رنج‌های بسیار مربوط به گروه و نوع و همچنین مشقّات زاد و ولد و مراقبت از فرزندان قادر می‌سازد. زنان اصولاً بیشتر و زودتر از مردان دچار هیجان

<sup>۱</sup> - محمد، حکیم پور، همان، صص ۱۳۶-۱۳۵.

<sup>۲</sup> - هما، خراسانی، همان، صص ۱۷-۱۸.

<sup>۳</sup> - سیمون، بارون کوهن، زن چیست؟ مرد کیست؟، ترجمه گیسو ناصری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۹.

می‌شوند. ترس، خشم و محبت، نقشی اساسی در ارگانیسم روحی زن ایفا می‌کند و فشار روحی در میان آنان بسیار بیشتر از مردان است و از این روان‌شنان به وابستگی گرایش دارد.<sup>۱</sup> زن‌ها به طور عادی بیشتر از مردها از خطر می‌ترسند و در برابر حوادث به خود بیم راه می‌دهند. از این رو از جنگ و صحنه‌های پرخطر و خشن گریزانند. اعصاب زن حساس‌تر از مرد و شکننده‌تر از آن است و از این رو زنان در برابر خطر و حوادث سخت، زود خود را می‌بازند و به شیون و گریه و زاری و گاه ضعف و غش می‌افتند.<sup>۲</sup> مرد پرخاش‌جوتر است و زن آرام‌تر. زن از توسل به خشونت درباره خود و دیگران پرهیز می‌کند. زن به طور طبیعی به زینت و جمال و آرایش علاقه بیشتری دارد. زن از مرد، محتاط‌تر، مذهبی‌تر، پرحرف‌تر، ترسو‌تر، حسودتر و تشریفاتی‌تر است.

احساسات زن، مادرانه است و به خانه و خانواده بیشتر علاقه دارد. زن در علوم استدلالی و عقلی به پای مرد نمی‌رسد، ولی در ادبیات و نقاشی و مسائل ذوقی، دست کمی از مرد ندارد.<sup>۳</sup>

## ۲-۱-۲-۲-۴- جنبه اخلاقی و رفتاری

زنان در مسائل اخلاقی بسیار سخت‌گیرتر از مردان هستند، نسبت به قوانین اخلاقی، اعتنای بیشتری نشان می‌دهند. همچنین، از لحاظ اخلاقی بسیار بیشتر از مردان میل به از خودگذشتگی و ایثارگری دارند، در حالی که مردان، بیشتر تمایل به عدالت دارند تا ایثارگری.<sup>۴</sup> دخترها، مهربان‌تر از پسرها هستند. آنها معمولاً برای کمک به والدین پیشقدم هستند، بیشتر تماس‌های تلفنی و ترتیب دید و بازدیدهای خانوادگی را زنان می‌دهند.<sup>۵</sup> حیا در زنان بیشتر از مردان است. عفت و حیا بزرگ‌ترین سرمایه زن است و او را چون جواهری ارزشمند از سهل‌الوصول بودن مصون داشته است. همین حیا و تحفظ زن اگر از فطرت اصیل خود جدا نشده باشد او را چون موجودی افسانه‌ای و اسرارآمیز

---

<sup>۱</sup> - محمد، حکیم پور، همان کتاب، صص ۱۳۹-۱۴۲.

<sup>۲</sup> - محمد رضا، خامنه‌ای، فلسفه زن بودن، چاپ اول، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۵، ص ۴۵.

<sup>۳</sup> - حمید، کریمی، حقوق زن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۲۳.

<sup>۴</sup> - محمد، حکیم پور، همان کتاب، ص ۱۴۵.

<sup>۵</sup> - هما، خراسانی، همان کتاب، ص ۱۸.

برای مرد درآورده است. نجابت زن باعث شخصیت اوست. وقار و حیا در زن ارزشی برای زن است که می‌باید حفظ شود و اگر این عامل از بین برود، زمینه گناه و فساد در جامعه زیاد خواهد شد.

## ۲-۲- جایگاه معنوی زن در اسلام

با یک بررسی کوتاه در تاریخ بشریت درمی‌یابیم که در فرهنگ جهان (منهای دین آسمانی)، زن یک موجود بسیار پست و فرومایه بوده؛ لذا برای او ارزشی قائل نبود؛ و با به عنوان یک ابزار و نه به عنوان رکن عظیم جامعه بشری، برخورد می‌کردند، ابزاری که فقط برای رسیدن به خواسته‌ها و نیازهای جسمانی و شهوانی و یا به عنوان ابزاری همانند حیوان که برای حمل بار و یا سواری استفاده می‌کردند؛ از زن نیز برای رفع نیازهای مادی و اقتصادی استفاده می‌کردند؛ و زن‌ها نیز به علت ضعف و ناتوانی فرهنگیشان این فرهنگ را باور کرده و به آن تن در داده بودند؛ تا اینکه اسلام با آن فرهنگ ناب الهی خود ظهور کرد و حقایق را آشکار نمود؛ و آنقدر به او ارزش و شخصیت داد، که مرد را به نحو تکلیف و جویی امر نمود از هر جهت چه معنوی چه مادی زن را تأمین کند که او با آرامش و آسایش خاطر زندگی کند. لذا سفارش‌های اکید به مرد به مرد نمود تا هرگز به او (زن) اهانت نکرد؛ و برای رفع نیازهایش از او به منزله ابزار استفاده نکرد.<sup>۱</sup>

در اسلام زن از ارزش ولایی برخوردار است؛ که نمی‌توان حد و حدود آن را تعیین کرد. و مادامی که خود ارزش خود را از بین نبرده باشد؛ این ارزش بالا برای او باقی است؛ منزلت زن در گرو روح لطیفی است (که در چهارچوب قانون وحی یعنی اسلام پرورش یافته و به کمال رسیده باشد. این گونه از زنان، جامعه‌ای را به سوی خوبی‌ها و نیکی‌ها کشانده و متحول می‌کنند؛ لذا برای چنین زنانی که با قدرت روحی بسیار ظریف خود مربی و معلم بشریت هستند هرگز نمی‌توان قیمت و ارزشی تعیین کرد و بالعکس زنانی که به قانون وحی، توجه نکرده و اسیر هواهای نفسانی و شهوات شده‌اند و در گناه و معصیت به سر می‌برند و خود و دیگران را به انحطاط و گمراهی می‌کشند؛ از یک مشت خاک بی

---

<sup>۱</sup> -جعفر، رفیعی، زن ریحانه الهی، چاپ دوم، قم، مؤسسه یاران قائم (عجل الله تعالی فرج شریف)، ۱۳۸۶، صص ۱۶-

حاصل هم ارزششان پستتر است؛ لذا حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) بر ارزش و قدر زن می‌فرمایند: «زن قابل ارزش گذاری نیست! نه خوبش و نه بدش، اما زن های خوب ارزششان طلا و نقره نیست؛ بلکه بالاتر از طلا و نقره است. و اما زن های بد ارزششان خاک هم نیست؛ که خاک از او بهتر است.»

مردی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) آمد و گفت:

«ای رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) همسری دارم که چون به خانه می‌روم به پیشبازم می‌آید و هنگام خارج شدن بدرقه ام می‌کند؛ اگر مرا ناراحت ببیند؛ می‌گوید: «ناراحت نباش؛ که اگر غم روزی را می‌خوری خداوند روزی رسان است و اگر غم آخرت را می‌خوری خداون غم هایت را زیاد کند.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: «به او بشارت بده! و به او بگو که تو یکی از عاملان خدایی» که در هر روز پاداش هفتاد شهید برای تو خواهد بود». در روایت دیگری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) در گرانقدر بودن ارزش زن می‌فرماید: «لا تکرهوا البنات فإنَّهنَّ المؤمنات الغالیات»<sup>۱</sup>

یعنی از (داشتن) دختر اکراه نداشته باشید، زیرا آنان وسیله انس و با ارزش و گرانقدر هستند.»

## ۲-۲-۱- بعد ملکی و ملکوتی

هر شیء و ماده ای دارای بعد ملکی و ملکوتی است؛ و تا وقتی آن شیء از طرحی که خداوند متعال برایش تقدیر کرده؛ خارج نشود؛ بعد ملکی و ملکوتی او عوض و تبدیل نمی‌شود. ولی اگر از صراط و راهی که خداوند متعال برای او مقدر شده منحرف شود هم بعد ملکی و هم بعد ملکوتی او به پستی و رذالت کشیده می‌شود. از روایات چنین به دست می‌آید که زن مخلوقی است که خدای تعالی بعد ملکی و بعد ملکوتی بسیار زیبا و با ارزشی باریش مقدر فرموده؛ چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) در روایتی زن را هم ردیف عطر و نماز قرار داده اند؛ که از آن بعد ملکی و ملکوتی زیبای زن فهمیده می‌شود.

آن حضرت می‌فرمایند: «حبب إلی من الدنيا النساء و الطیب و قرءة عینی فی الصلوة»<sup>۲</sup> من از دنیای

<sup>۱</sup> - جعفر، رحیمی، همان، صص ۱۱۴-۱۱۳.

<sup>۲</sup> - محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۱۰۳، ص ۲۱۸.

شما سه چیز را می‌پسندم؛ زن، بوی عطر خوش و روشنی چشم من در نماز است.» پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) زن را از بعد ملکوتی در ردیف رایحه و بوی خوش عطر قرار داده اند. به عبارت دیگر همان گونه که گل و بوی خوش بسیار با ارزش و ذی قیمت می‌باشد؛ و باید از آن محافظت کرد و کمال استفاده و بهره برده شود؛ زن نیز اینگونه است که خداوند متعال وجود او را بسیار با ارزش و مقدس خلق کرده؛ لذا باید در کمال احترام و محبت او را حفظ کرده و از طریق و روشی که شرع مقدس اسلام به ما تعلیم داده است «مثل احترام و تکریم پوشش یعنی حجاب» از گزند آفات دور نگه داریم.

حضرت امیر المؤمنین امام علی (علیه السلام) نیز در روایتی از همین تشبیه استفاده کرده اند و مقام بلند زن را اینگونه بیان می‌کنند: «المرأة ریحانه لیست بقهرمانه؛ زن ریحانه است نه قهرمانه، یعنی زن همانند گل خوش بو است؛ نه مانند مردان خشن و قهرمان میدان کارزار» و در روایت دیگری بعد ملکوتی زن اینگونه تعریف می‌شود:

«مردی در حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است. وقتی خبر تولد فرزندش را به او دادند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دیدند که چهره او دگرگون شد؛ فرمودند: چه اتفاقی افتاده که تو را چنین متغیر کرده؟ عرض کرد: به من خبر دادند که زخم دختر به دنیا آورده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: او بر روی زمین و زیر آسمان زندگی می‌کند و خداوند روزی او را می‌دهد؛ او یک ریحانه (گل) است، او را ببوس و به او محبت کن».<sup>۱</sup>

پر واضح است که زن تا وقتی که به وسیله عصیان و بی بند و باری خود را از فطرت الهی خویش دور نکرده باشد؛ این مقام و منزلت در بعد ملکی برای او صادق است و إلا همانند جیفه و عذره (یعنی شیء گندیده و مدفون) می‌گردد که جامعه ای را به فساد و تباهی می‌کشانند و برای خلاصی و نجات افراد جامعه از رذائل و امراض روحی و جسمی، باید او را زیر خاک دفن کرد. اما از جهت ملکوتی در این روایت (عطر، زن و نماز) زن را در ردیف نماز قرار داده است و می‌فرماید: «قرء عینی فی الصلاة»<sup>۲</sup>. چون همانگونه که نماز از جهت ملکوتی و معنوی، بشر را به معراج می‌برد و به نهایت ذات اقدس الهی

<sup>۱</sup> - محمد بن حر، عاملی، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۰۱.

<sup>۲</sup> - علی، پاینده، نهج الفصاحه، تهران، نشر دانش، ۱۳۸۲، حدیث ۱۵۸۸.



می‌رساند. زن های خوب نیز این گونه اند؛ به این معنا که زنان با قدرت روحی که دارند؛ می‌توانند افراد جامعه را اعم از مذکر و مؤنث؛ را به معراج ببرد و آن ها را به سوی کمالات و حقایق سوق دهد؛ لذا خداوند متعال زنان را مدیر و مربی خانواده قرار داده است؛ تا با این قوه و قدرت در تربیت و مدیریت صحیح فرزندان که خود در آینده پدران و مادران جامعه هستند، برآیند و آن ها را به سوی کمالات معنوی به عروج و پرواز درآورند.

به این روایت که نقل می‌شود توجه کنید که چگونه خداوند متعال زن خوب را بر مرد ترجیح می‌دهد و از او هفتاد فرزند که هریک جامعه ای را متحول کرده و به سوی خوبی ها و کمالات دعوت کردند؛ به وجود می‌آورد؛ حسن بن سعد یکی از اصحاب امام جعفر صادق (علیه السلام) است که می‌گوید:

«خداوند به یکی از دوستان ما دختری داد، او در حالی که افسرده و ناراحت بود، خدمت امام جعفر صادق (علیه السلام) آمد. امام (علیه السلام) دانستند که علت ناراحت او چیست، به او فرمودند: اگر خداوند به تو وحی کند که من درباره ی تو انتخاب می‌کنی، چه می‌گویی؟ عرض کرد البته می‌گویم آنچه تو انتخاب کنی همان خوب است. امام (علیه السلام) فرمودند: اینک خداوند متعال برای تو دختر انتخاب کرده است». سپس امام (علیه السلام) فرمودند: که در قرآن کریم، در داستان حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت خضر (علیه السلام) آمده است که حضرت خضر (علیه السلام) پسری را گرفت و کشت؛ و بعد درباره ی علت کشتن او گفت: خواستم خداوند متعال فرزندی پاکیزه تر و مهربان تر از او به پدر و مادرش بدهد و خداوند به جای آن پسر دختری به آن ها داد؛ که هفتاد پیامبر از نسل او به وجود آمدند.<sup>۱</sup>

یکی از امتیازاتی که خداوند متعال به زنان داده است؛ سن تکلیف است، اهل معرفت آن را یک امتیاز بزرگ و با ارزش برای زن می‌دانستند؛ چون خداوند متعال زن را زودتر از مرد اهلیت و قابلیت انس و مناجات با حضرتش عنایت فرموده است.<sup>۲</sup>

## ۲-۲-۲- جایگاه معنوی زن از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)

ایشان می‌فرمایند:

«نقش زنان در عالم از ویژگی خاصی برخوردار است؛ صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در

---

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۹/ جعفر، رفیعی، همان کتاب، ص ۲۲-۲۹.

۲- جعفر، رفیعی، همان کتاب، ص ۲.

آن جامعه سرچشمه می‌گیرد زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی را به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه و بلکه جامعه‌ها را به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند؛ و می‌تواند هم به عکس آن باشد.<sup>۱</sup>

## ۲-۳- جایگاه معنوی زن از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه)

مقام معظم رهبری (دامه برکاته) می‌فرمایند:

«شما باید زن را با دید یک انسان والا نگاه کنید تا معلوم بشود که تکامل و حق و آزادی او چیست؟ زن را به عنوان یک موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای اصلاح جامعه یا پرورش انسان‌های والا بشود نگاه کنید تا معلوم بشود که زن کیست و آزادی او چگونه است، زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید. خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و موجودیت خانواده مؤثرند؛ اما آسایش فضای خانواده و آرامش و سکوتی که در فضای خانواده است به برکت زن و طبیعت زنانه است؛ با این چشم به زن نگاه کنید تا معلوم بشود زن چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوق زن چیست؟»<sup>۲</sup>

## ۲-۳- جایگاه اجتماعی زن

اسلام همانطور که در سایر امور برای زن شخصیت حقوقی قائل است؛ در مسائل اجتماعی نیز برای زن شخصیت حقوقی قائل است؛ و دخالت زن را مانند مرد در تمام فعالیت‌های اجتماعی جایز می‌داند و هیچ فرق بین آن دو از این جهت نمی‌گذارد.<sup>۳</sup>

آنچه به منزله شاخصی برای مشارکت اجتماعی زنان شناسایی می‌شود؛ آن است که زنان بنابر:

۱- نیازهای واقعی خود و جامعه

۲- قابلیت‌ها و توان زنانه خویش

۳- مسئولیت‌های انسان و الهی

۴- با استفاده از همه فضاهایی که شریعت برای تأثیرگذاری در جامعه با هدف ساختن جامعه‌ای

---

<sup>۱</sup> - روح الله، موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، برگرفته از فاطمه صفری، الگوی اجتماعی، پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی بر اساس دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)، چاپ ششم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۲۵.

<sup>۲</sup> - بیانات مقام معظم رهبری با جمع کثیری از بانوان کشور در تاریخ ۲۶ آذر ماه ۱۳۷۱، برگرفته از امیر حسین بانکی پور فرد، آیین زن، چاپ اول، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۱، ص ۲۹.

<sup>۳</sup> - جمعی از نویسندگان، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ج ۲، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.

الهی و سالم مد نظر داشته؛ و به مشارکت اجتماعی بپردازند.<sup>۱</sup>

نظر اسلام یک نظر میانه است برای زن، اگر فرصت و فراغت داشته باشد؛ بچه داری مانع او نگردد؛ که شوق، علاقه، نیرو و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیت های اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی شود؛ مانعی ندارد. اما اینکه او را مجبور کنند و بگویند که حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن در هزینه خانوار سهمی به عهده بگیری؛ نه این را هم از زن نخواستند؛ و این را هم یک نوع تحمیل بر زن به حساب می‌آورد.<sup>۲</sup>

خداوند متعال زن را بی تفاوت در مقابل آنچه در جامعه می‌گذرد؛ و محدود نکرده است و موارد بسیاری در قرآن کریم آمده که شامل مردان و زنان هم می‌شود:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»<sup>۳</sup> و مردها و زنان با ایمان، برخی از آنان دوستان برخی دیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و نماز بپا می‌دارند و زکات می‌دهند، و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند، اینها هستند که خداوند مورد رحمتشان قرار خواهد داد. برآستی که خداوند با عزت و با حکمت است.»

تا منافقین بدان نقطه مقابل ایشان مؤمنین هستند؛ که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند؛ و به همین دلیل بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار می‌شوند؛ و به همین دلیل بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار می‌شوند؛ و به همین دلیل است که یکدیگر را به معروف امر و از منکر نهی می‌کنند؛ آری به خاطر ولایت داشتن ایشان در امور یکدیگر است، آن هم ولایتی که تا کوچکترین افراد اجتماع راه دارد که به خود اجازه بدهند؛ هر یک دیگری را به معروف واداشته و از منکر باز دارند.<sup>۴</sup>

### ۳-۱- نقش اجتماعی زن

<sup>۱</sup> - فریبا، علاسوند، همان، ص ۲۵۷.

<sup>۲</sup> - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۵/۶/۲۸، برگرفته از حسن، قدوسی زاده، نکته های ناب، ج ۵، چاپ ششم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷، ص ۵۹.

<sup>۳</sup> - توبه (۹)، آیه ۷۱.

<sup>۴</sup> - محمد حسین، طباطبایی، همان کتاب، ج ۹، ص ۴۵۵.

زن در اجتماع وظیفه ای دارد، که از مرد ساخته نیست؛ نقشش بی همتا است و بدون شک، بقای زندگی و نسل بشر محتاج وجود وی هست؛ به بیان دیگر او نیمی از پیکر جامعه است؛ و نمی‌توان از او و نقش سازنده اش چشم پوشید؛ اگرچه کج اندیشان روزگار و دایگان دلسوز تر از مادر به بهانه حمایت از حقوق زن، او را از حق واقعی اش محروم می‌کنند. وظیفه زن تربیت است؛ او مربی است و اولین کلاس جامعه دامن او است؛ در دامن او است که کودک مهر و محبت را می‌آموزد؛ صفا و صمیمیت را می‌آموزد؛ و به خود می‌بالد و شکوفا می‌شود؛ از دامن او است که انسان های بزرگ پیدا می‌شوند؛ از دامن او است که سازندگان جامعه پا به اجتماع می‌گذارند؛ و از دامن او است که سعادت بر می‌خیزد. وظیفه مادر و انسان مسئولیتی که نظام خلقت و طبیعت بر دوش زن نهاده است.

ناگفته نماند که اسلام با حضور زن، کار و تلاش و فعالیت های وی در صحنه اجتماع و بستر جامعه مخالف نیست؛ و آن را منع نکرده است؛ بلکه وظیفه اصلی او را مادر می‌داند. تربیت و پرورش انسان های بزرگ و وارسته، در کنار آن نیز به زن اجازه می‌دهد تا با حفظ حریم عفت و پاکدامنی و در پوششی محفوظ از تیر زهر آلود نگاه های هوس آلوده، آلوده دلان، در اجتماع حضور یابد و سرنوشت خویش را برگزینند.

اسلام به منظور استحکام و پایداری خانواده و جامعه، وظایف اقتصادی و تأمین معاش خانواده را بر عهده مرد و وظیفه مادری و همسر داری را بر عهده زن گذاشته است. زن تا زمانی که از سوی شوهر تأمین می‌شود؛ برای کار در خارج از خانه باید از او کسب اجازه کند؛ اما در صورتی که تأمین نشود؛ نیازی به اجازه او ندارد. این تقسیم کار، بر اساس نقش طبیعی آنان است؛ نظام خلقت، رنج ها و دشواری بارداری و فرزند داری را بر شانه های زن گذاشته است؛ لذا اولین وظیفه زن مادری است.

زنان نیمی از جمعیت جهان اند؛ در جامعه بشری مرد و زن دو پیکره هستند که طبق قانون خلقت در کنار هم رسته و کمال می‌یابند و جامعه ای سعادت مند که این دو وجود الهی در بستر متوازن و در جایگاه واقعی خویش قرار گیرد؛ تا با توجه به مسئولیت ها و وظایف خود؛ به سوی کمال حقیقی که

خلیفه الهی است رهنمون شوند.<sup>۱</sup>

بسیاری از نقش ها و مسئولیت هاست که فقط زن می توان ایفا کند؛ و بسیاری موقعیت ها و تکالیف است که از عهده مرد برمی آید؛ چنان که بسیاری از کارها و مسئولیت های زندگی و امور اجتماعی، بهتر است برعهده زنان باشد؛ و بسیاری از امور شایسته است که بر عهده مرد باشد، زن و مرد هر یک نیمه یک پیکره اند و تنها در سایه ی همکاری مشترک و تقسیم عادلانه و حکیمانه مسئولیت ها و ایفای نقش تکمیلی نسبت به یکدیگر است که این پیکره جان می گیرد.<sup>۲</sup>

نقش های عمده و زندگی ساز زن عبارتند از:

الف) صفا و ابقای نسل: نقش زن در ادامه نسل بشر و صیانت بشریت از زوال و انقطاع، کاملاً روشن است. اگر فقط همین یک نقش را برای زن در نظر بگیریم؛ تأثیر او را در طبیعت، به عنوان مهم ترین رکن وجود بشریت خواهیم دانست.

ب) تسکین و آرامش بخشی زن

زن به طور طبیعی موجب سکون و آرامش شوهر و محیط اطراف خویش است؛ مشروط بر آن که جهل یا ضعف و فطرت مخدوش، سود تربیت وی یا سوء رفتار شوهر زن را از حالت طبیعی خارج نساخته باشد.<sup>۳</sup>

ج) تربیت کودک و پرورش عواطف: زنان بزرگترین کارهای آفرینش را به طور طبیعی برعهده دارند؛ کارهای اساسی آفرینش مانند تولید مثل و تربیت کودک در دست زن است.<sup>۴</sup>

بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند؛ زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی ای محروم می کنند؛ اشتباه می کنند؛

---

<sup>۱</sup> - فرزانه، نیکویرش، همان کتاب، ص ۴۵.

<sup>۲</sup> - ضیاء، مرتضوی، درآمدی بر شناخت مسائل زنان، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۶.

<sup>۳</sup> - محمد رضا، خامنه ای، همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

<sup>۴</sup> - مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولاد حضرت زینب (سلام الله علیها)، ۱۳۷۳/۷/۲۰، حدیث ولایت.

هم به ضرر خودشان هم به ضرر اجتماع عمل کرده اند.<sup>۱</sup>

د) همیاری و تعاون با مرد: زنی که به هویت و شأن خویش پی برده، وجود مقدسی است که در درک نیمه دیگر خود؛ می‌تواند جامعه را به سعادت برساند؛ به شرطی که هر یک حقوق واقعی خود را شناخته و با توجه به اصل تساوی (نه تشابه) و برابری در برابر ارزش های انسانی، در مسابقه برای رسیدن به کمال به رقابت بپردازند.<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«دو هدف از آفرینش هر فرد انسان، همان هدف از آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن، یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از فضایی که یک انسان و یک فرد می‌تواند به آن فضائل آراسته شود، لذا فرقی بین زن و مرد نیست؛ نشانه اش هم در درجه اول حضرت زهرا (سلام الله علیها) و دیگر زنان بزرگ تاریخ در درجه بعد از ایشان است؛ یعنی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در قله بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست؛ همانگونه که می‌بینیم، آن بزرگوار، به عنوان یک بانوی مسلمان این فرصت و این قدرت را یافت تا خود را به این اوج برساند؛ پس فرقی بین زن و مرد نباید باشد؛ به خصوص شاید از همین جهت خانواده متعال در قرآن کریم آن جا که راجع به نمونه انسان های خوب و نمونه انسان های بد مثال می‌زند؛ مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند. که در یک مورد همسر فرعون را و در مورد دیگری حضرت مریم (علیه السلام) را مثال می‌آورد: «و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأه فرعون و مریم» و در مقابل وقتی می‌خواهد در مورد انسان بد و نگون بخت و انسانی که در جهت غلط حرکت می‌کند، نمونه ارائه بدهد به همسر نوح و لوط مثال می‌زند.<sup>۳</sup>

یکی از عوامل شادابی و تکامل خانواده ها، تقسیم حدود و وظایف افراد خانواده است؛ با تقسیم کار عدالت اجتماعی در محیط کوچک خانواده سعادت می‌آفریند و زن را از دخالت در اموری که سزاورش نیست باز می‌دارد.<sup>۴</sup>

علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) پس از آن که با هم ازدواج کردند؛ تربیت و تقسیم کار خانه را به نظر و مشورت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

<sup>۱</sup> - همان بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰، ص ۱۹۲.

<sup>۲</sup> - فرزانه، نیکو برش، زن، توسعه و لزوم برنامه ریزی جنسیتی، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت ها و رویکردها، ج ۱، ص ۲۱۱.

<sup>۳</sup> - مقام معظم رهبری، بیانات با گروهی از پزشکان زن، ۱۳۸۶/۱۰/۲۶، برگرفته از امیر حسین، بانکی پور فرد، آیین زن، ص ۲۴.

<sup>۴</sup> - محمد، دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه (سلام الله علیها)، چاپ سوم، قم، انتشارات امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۸۵، صص ۱۴۷-۱۴۸.

واگذار کردند؛ و به آن حضرت گفتند: «یا رسول الله! ما دوست داریم ترتیب و تقسیم کارهای خانه با نظر شما باشد».

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کارهای خارج از خانه را به عهده حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) و کارهای داخل خانه را به عهده حضرت زهرا (سلام الله علیها) گذاشت. حضرت زهرای مرضیه (سلام الله علیها) از اینکه او را از انجام کارهای خارج از خانه معاف کرد؛ خیلی ابراز خرسندی کرد و فرمودند: «یک دنیا خوشحال شدم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا از سر و کار داشتن؛ با مردان معاف کرده است».

کارهایی از قبیل آوردن آب و آذوقه و سوخت و خرید بازار را امام علی (علیه السلام) انجام می‌داند و کارهایی از قبیل آرد کردن گندم و پختن نان، آشپزی و شستشو و نظیف خانه به وسیله حضرت زهرا (سلام الله علیها) انجام می‌گرفت؛ در عین حال امام علی (علیه السلام) هر وقت فراغتی می‌یافت در کارهای داخلی به حضرت زهرا (سلام الله علیها) کمک می‌کردند؛ از آن طرف هر وقت برای امام علی (علیه السلام) گرفتار، مسافرت و یا جهادی پیش می‌آمد؛ حضرت زهرای مرضیه (سلام الله علیها) کارهای بیرون از خانه را انجام می‌دادند.<sup>۱</sup>

## ۴- جایگاه اقتصادی زن

برخلاف ادیانی که نه تنها به زن استقلال اقتصادی نمی‌دهند؛ بلکه خود او هم جزء مایملک مرد به شمار می‌رود. اسلام برای زن استقلال اقتصادی و حق مالکیت قائل است.

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا»<sup>۲</sup> برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود می‌گذارند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند سهمی، خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی است تعیین شده و لازم الاداء»

عبارت «لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ» حاکی از آن است که زنان مالک تلاش خویش بوده و مالکیت آنان

<sup>۱</sup> - مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، تهران، انتشارات صدرا، بی تا، صص ۴۹۴-۴۹۵.

<sup>۲</sup> - نساء (۴)، آیه ۷.

بر دارایی ها، سرمایه ها، تلاش هایشان پذیرفته و نافذ است؛ با آن که می توانست بفرماید: «هرکس مالک کسب خویش است؛ در دو جمله جدا و مستقل برمالکیت زن نسبت به کسبش همانند مرد، تأکید کرد. حال که یکی از مهم ترین حربه های دشمن؛ دامن زدن به مسائل حقوقی زنان بویژه در جوامع اسلامی است؛ استکبار با آگاهی از سنت های قومی قبیله ای و مذهبی کشورهای مسلمان در مورد زن به تبلیغات مسموم و همه جانبه در سطح وسیع پرداخته تا ضمن خشن و غیر منصفانه جلوه دادن چهره اسلام نسبت به مسائل زنان به ویژه حقوق اقتصادی از قبیل ارث، دیه، نفقه به شبهه افکنی نسبت به آموزه های مترقی اسلام بپردازد.

یکی از اصول حاکم بر خانواده اصل استقلال اقتصادی زن است، بر اساس این اصل زن اهلیت داشتن حقوق و استیفای آن ها را دارد. منشأ داشتن حقوق و مالکیت ممکن است بر اساس قرارداد، اساس خارج از قرارداد مانند ارث، اسباب ضمان قهری و یا به موجب حکم قانون و ناشی از نهادهای قانونی، مانند مهر و نفقه می باشد؛ همان طور که زن اهلیت داشتن حقوق و مالکیت را دارد، اهلیت استیفای حقوق و تصرفات را در اموال خود نیز دارد، این اهلیت و حق تصرف در اموال را آزادی اقتصادی زن در خانواده می نامند. مبنای این آزادی آیه رشد است، در این آیه خداوند متعال می فرماید:

«وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَ بِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»<sup>۱</sup> و یتیمان را بیازمایید تا هنگامی که به حد بلوغ برسند، (در این موقع موقع) اگر در آنها رشد (کافی) یافتید اموالشان را به آنها بدهید و پیش از آن که بزرگ شوند، اموال آنها را از روی اسراف نخورید؛ و هر کس (از سرپرستان) بی نیاز است (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند و آن کس که....».

واژه «یتامی» در این آیه مطلق و شامل زن و مرد می شود: از این رو شیخ طوسی با استناد به همین آیه، بر این باور است که زن آزادی تصرف در اموال خود را دارد؛ اعم از اینکه دارای شوهر یا بدون

---

<sup>۱</sup> - نساء (۴)، آیه ۶.



## ۴-۱- مصادیق حقوق اقتصادی زن در اسلام

با توجه به اینکه زن در اجتماع جایگاه اقتصادی نیز می یابد باید بر اساس موازین اسلامی، حقوق مالی و اقتصادی او نیز تأمین بشود، در غیر این صورت حق وی تضییع می گردد و مخالف اصل تساوی حقوق معنوی زن و مرد است که در ذیل به مصادیق آن پرداخته می شود.

### ۱- کار و دستمزد:

قرآن کریم به خلفدوران جاهلیت که برای زن هیچ گونه، حق کار و دستمزد قائل نبودند؛ و تمام دسترنج او را پدر و یا شوهرش تصاحب می کرد، اعلان می دارد زنان مانند مردان مالک بهره کار و زحمت شان می باشد.

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛<sup>۲</sup> مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد).»

### ۲- مهر:

در جاهلیت مهر به زنان تعلق نمی گرفت، و اگر در بعضی قبایل چیزی شبیه مهر مرسوم بود در واقع قیمت زن بود که اولیای زن آن را تصاحب می کردند، اما قرآن با صراحت و قاطعیت دستور می دهد که به زنان مهرشان را بدهید.

«وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا؛<sup>۳</sup> و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید!»

مهریه یا صدق مالی است که زن با ازدواج مرد مالک آن و مرد به دادن آن ملزم می شود.<sup>۴</sup> در

---

<sup>۱</sup> - محمد بن حسن بن حمزه، طوسی، الخلاف، ج ۳، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۲۸۵/ محمود، حکمت نیا، حقوق زن و خانواده، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه های اسلامی، ۱۳۹۰.

<sup>۲</sup> - نساء (۴)، آیه ۳۲.

<sup>۳</sup> - نساء (۴)، آیه ۴.

<sup>۴</sup> - حسین، صفایی، اسدالله، امامی، حقوق خانواده، ج ۱، تهران، مؤسسه و انتشارات چاپ تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۶۶.

شریعت اسلامی مهریه می‌تواند پول یا عین یک شیء (مثل قطعه ای زمین تخته ای فرش یا مقداری طلا) یا منفعت (مانند آموختن بخشی از قرآن) باشد.<sup>۱</sup> براساس آیه ۴ سوره نساء مهریه یک هدیه است و حفظ این ماهیت درباره مهریه لازم است. بنابراین مهریه ضمانتی برای حفظ زندگی مشترک نیست، بلکه نشان محبت و صداقت است و اگر صداق به منزله ضمانت دانسته شود، مهریه ها افزایش می‌یابد. در فرهنگ عامه، همین نگاه ضمانتی موجب افزایش غیرمعمول مهریه ها شده است حال آنکه در روایت ها بر مهریه کم تأکید شده است.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «خیرالصداق ایسره»<sup>۳</sup> بهترین مهریه سبک ترین آن است.»

### ۳- نفقه:

یکی دیگر از حقوق مالی زن نفقه است که مرد باید آن را بپردازد. نفقه شامل همه وسایلی می‌شود که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است و داوری آن را باید برعهده عرف گذاشت.<sup>۴</sup> برخی از فقیهان میزان نفقه را در شریعت معین می‌دانند.<sup>۵</sup> ولی از آنجا که در قرآن پرداخت نفقه از باب «وعاشروهن بالمعروف» است میزان آن به عرف بستگی دارد.<sup>۶</sup>

### ۴- ارث:

در عصر جاهلیت زن هیچ گونه سهم از ارث نداشت. اعراب زنان و دختران را لایق ارث بری

---

<sup>۱</sup> - محمدحسن، نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ ششم، ج ۳۱، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۰ق، ص ۳-۴.

<sup>۲</sup> - فریبا، علاسوند، همان کتاب، ج ۲، صص ۹۸-۹۶.

<sup>۳</sup> - محمد، محمدی ری شهری، دانشنامه قرآن و علوم حدیث، ج ۳، چاپ دوم، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۱، صص ۳۴۶-۳۴۷، حدیث ۱۶۲.

<sup>۴</sup> - ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۴۹.

<sup>۵</sup> - برای مثال شیخ طوسی ر.ک: محمد بن حسن بن حمزه، طوسی؛ الخلاف، ج ۵، ص ۱۱۲.

<sup>۶</sup> - زین الدین، عاملی (شهید ثانی)، الروضة البهیة، ج ۵، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ق، ص ۴۶۹.

نمی‌دانستند و می‌گفتند: «لایرثنا الا من یحمل السیف و یحیی البیضة؛ آن کسی که نمی‌تواند شمشیر  
کشد و از قبیل دفاع کند نباید ارث برد تنها پسران و در نبود آنها برادران و یا مردان فامیل وارث  
متوفی بودند.»<sup>۱</sup> اما قرآن کریم بر همه این باورها و اعتقادات و قوانین ظالمانه خط بطلان کشیده و  
اعلام می‌دارد،

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ  
كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا»<sup>۲</sup> برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمیاست؛  
و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این  
سهمی است تعیین شده و پرداختنی.»

## ۵- جایگاه فرهنگی زن در اسلام

تاریخ پر فراز و نشیب زن - که نیمی از پیکر جامعه و رویشگاه وجود و شخصیت مرد است- بیانگر  
افراط و تفریط‌ها و بیدادها و حق‌کشی‌هایی است که هر روز به بهانه و دستاویزی در حق او رفته و  
حقوق و شخصیت او را پایمال ساخته است. در این میان، آن چه بیش از هر چیز بر این درد و رنج  
دامن زده رواج آداب و رسوم خرافی و ظالمانه‌ای است که به مناسبت‌ها و بهانه‌های گوناگون زنجیر  
اسارت را بر دست و پا و خرد و اندیشه او افکنده و وی را از همه حقوق انسانی اش بازداشته است.<sup>۳</sup>  
اسلام برای فرهنگ و مسائل فرهنگی اهمیت ویژه‌ای قائل است؛ از این رو، مسلمانان را به کسب  
علم ترغیب می‌کند و در این امر، زن و مرد را یکسان می‌شمرد؛ زنان و دخترانی که ازدواج نکرده‌اند  
در کسب علم و معرفت آزادی کامل می‌بخشد و زنان شوهردار را نیز تا هنگامی که کسب علم و  
معرفت با حقوق قانونی شوهر در تزامم نباشد آزاد هستند.

در فقه اسلامی، اگر زنی برای آموختن احکام واجب و تکالیف اسلامی و دینی خویش از منزل خارج  
بشود، معصیتی مرتکب نگشته است اگر شوهر به احکام و مسایل دینی آگاه است واجب است که

<sup>۱</sup> - غلام، یحیی نوری، حقوق زن در اسلام و جهان، چاپ چهارم، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، صص ۱۸۹ و ۱۹۹.

<sup>۲</sup> - نساء (۴)، آیه ۷.

<sup>۳</sup> - محمد، بیستونی، تفسیر زنان، ج ۱، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸، صص ۱۱۴-۱۱۳.

خودش، به همسر خویش بیاموزد، وگرنه حق ممانعت از خروج زن، برای فراگیری احکام را ندارد.<sup>۱</sup>

## ۵-۱- حضور بانوان در عرصه های علمی و فرهنگی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به ویژه در عرصه های علمی و فرهنگی بر حضور و مشارکت فعال مسلمانان تأکید داشتند، چنان که یکی از احادیث مشهور نبوی خاطرنشان می‌سازد که «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»<sup>۲</sup> دانش‌طلبی برای هر مرد و زن مسلمان یک واجب شرعی است.» بدین سان بود که زن مسلمان در پرتو رهنمودهای اسلام، موفقیت‌ها و موقعیت‌های عالی بلندمرتبه‌ای به دست آورد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر این اصل تأکید بسیار و اهتمام تمام ورزید و در این راه نیز میان زن و مرد برابری قائل شد. در فرمایش دیگری چنین می‌فرماید: «بطلبید علم را اگرچه در سرزمین چین باشد.»<sup>۳</sup>

## ۵-۱-۱- بانوان و مسجد

در سیره نبوی آمده است حضرت ساعتی را برای آموزش زنان در مسجد به آنان اختصاص داده بودند. روشن است که در مراحل بعد، وجود زنان دانشمند یا متخصصی که خود، آموزش زنان را بر دوش داشته باشند اولویت دارد.<sup>۴</sup>

یکی از زنان مسلمان خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌آید و می‌گوید:

«یا رسول الله! مردان بیشتر اوقات پیرامون شما حلقه زده اند به این ترتیب از محضر شما پیش از ما زنان بهره می‌برند. جا دارد که روزی را برای ما زنان تعیین کنید تا در محضر شما، به فراگیری علوم و معارف اسلامی بپردازیم. آن حضرت بی درنگ پیشنهاد وی را می‌پذیرد و زمان و مکان معینی را برای تجمع زنان مسلمان تعیین می‌فرماید و همان گونه که معارف اسلامی و قرآن را بی دریغ در اختیار مردان مسلمان قرار می‌دادند، در اختیار زنان مسلمان نیز قرار می‌دهند.»

در نتیجه اهمیت توجه و عنایت، مشاهده می‌کنیم که تاریخ اسلام آکنده از آثار گسترده حضور

<sup>۱</sup> - جمعی از نویسندگان، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۱۲۳.

<sup>۲</sup> - محمد بن محمد، مفید، الأمالی، تحقیق حسینی استادولی و علی اکبر غفاری، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۲۹.

<sup>۳</sup> - مصباح الشریعه، ترجمه حسن مصطفوی، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۲۵۷.

<sup>۴</sup> - فریبا، علاسوند، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۱.

علمی و فرهنگی زنان مسلمان است.<sup>۱</sup>

خانم حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت زینب (سلام الله علیها) به عنوان مفسر قرآن به خانم ها آموزش می دادند و با کمال آرامش و سعه صدر پاسخگوی سؤالات آنها بودند.

## ۵-۱-۲- بانوان و روایت گری

پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) یاران مذکری دارد و یاران مؤنثی، هم راوی زن دارد و هم راوی مرد. در کتاب هایی که هزار سال پیش نوشته شده اسم همه آنها هست و ما روایات زیادی داریم که راوی آنها زن بوده است. کتابی است به نام در بلاغات النساء یعنی خطبه ها و خطابه های بلیغی که توسط زن ها ایراد شده است. این کتاب از ابن طیفور بغدادی است که حدود سال ۲۵۰ هجری یعنی زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) می زیسته است. از جمله خطبه هایی که بغدادی در کتابش ذکر کرده، خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در مسجد یزید و خطبه ایشان در مجلس ابن زیاد و خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در اوایل خلافت ابوبکر است.

شهید مطهری در این باره می گوید:

«در این ضریح جدیدی که اخیراً برای حضرت معصومه (سلام الله علیها) ساخته اند روایتی را انتخاب کرده اند که راوی ها همه زن هستند تا می رسد به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، در ضمن؛ اسم همه آنها فاطمه است (حدود چهل فاطمه). روایت کرده فاطمه دختر ... از فاطمه دختر ... تا می رسد به فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام)، بعد ادامه پیدا می کند تا فاطمه دختر حسین بن علی بن ابیطالب (علیه السلام) و در آخر می رسد به فاطمه (سلام الله علیها) دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یعنی شرکت اینها این قدر رایج بوده ولی هیچ وقت اختلاط نبوده و بسیاری از راویان بودند که می آمدند روایت حدیث می کردند. زن ها می آمدند استماع می کردند اما زن ها در کنار می نشستند و مردها در کناری، مردها در اتاقی بودند و زن ها در اتاقی.»<sup>۲</sup>

## ۶- جایگاه سیاسی زن در اسلام

یکی از حقوق سیاسی هر فردی، حق رأی اوست که برای تأمین و تأثیر سرنوشت جامعه و

<sup>۱</sup> - نرگس، پروازی ایزدی، مشارکت زنان در جامع اسلامی، دوهفته نامه گلستان قرآن، ش ۱۲۵، ص ۲۰.

<sup>۲</sup> - مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، صص ۴۰۴-۴۰۵.

اجتماعش است. بیعت در اسلام مظهر مشارکت جدی و فعال مسلمانان در حکومت اسلامی، جنگ و صلح، تصمیم گیری در مسائل داخلی و روابط خارجی جوامع اسلامی و به طور کلی تمامی امور و شئون جامعه اسلامی تعریف شده است.<sup>۱</sup>

در صدر اسلام، زنان در مسائل سیاسی دخالت می کردند و در صحنه حاکمیت حضوری روشن داشتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) طبق دستور قرآن کریم با زنان بیعت می کرد و بر سر اصول و معیارهایی پیمان می بندد و بدین گونه این بدنه از جامعه اسلامی را مسئولیت های سیاسی- اجتماعی خویش آشنا می سازد.<sup>۲</sup>

یکی از حقوق سیاسی هر فردی، حق رأی اوست که برای تأمین سرنوشت جامع و اجتماعش است. بیعت در اسلام مظهر مشارکت جدی و فعال مسلمانان در حکومت اسلام، جنگ و صلح، تصمیم گیری در مسائل داخلی و روابط خارجی جوامع اسلامی و به طور کلی تمامی امور و شئون جامعه اسلامی تعریف شده است.<sup>۳</sup>

در صدر اسلام، زنان در مسائل سیاسی دخالت کردند و در صحنه حاکمیت حضوری روشن داشتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) طبق دستور قرآن کریم با زنان بیعت می کند و بر سر اموال و معیارهایی پیمان می بندد و بدین گونه این بدنه از جامعه اسلامی را با مسئولیت های سیاسی- اجتماعی خویش آشنا می سازد.<sup>۴</sup>

## ۶-۱- بیعت زنان

سوره ممتحنه حاکی از این است که زنان مؤمن بعد از فتح مکه مکه با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیعت کردند و ایشان به فرمان خداوند رعایت شروط را مبنای این بیعت قرار داد.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ

---

<sup>۱</sup>- نرگس، پروازی ایزدی، همان کتاب، ص ۲۱.

<sup>۲</sup>- محمد، حکیمی، همان کتاب، ص ۴۳.

<sup>۳</sup>- نرگس، پروازی ایزدی، همان کتاب، ص ۲۱.

<sup>۴</sup>- محمد، حکیمی، همان کتاب، ص ۴۳.

أُولَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بَهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ  
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ<sup>۱</sup> ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن به نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را  
شریک خداوند قرار ندهند، آلوده زنا نشوند و فرزند خود را نکشند و تهمت و افترای پیش خود نیاورند،  
و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو را نکنند، و با آنها بیعت کن و برای آنها از درگاه خداوند  
طلب آمرزش نما زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»

در این آیه شریفه نکته بسیار مهم اخلاقی تحت عنوان شرایط بیعت ذکر شده است که قابل توجه  
است، معمولاً کشورهای دنیا برای رأی دادن و یا کسب رأی نمودن یک امری شرایط را از قبیل  
تابعیت، ملیت، نژاد، مدرک و امثال آنها تعیین می‌کنند، اما قرآن کریم برای بیعت زنان یک سری  
شرایط را ذکر می‌کند که برای صلاح جامعه و فرد موجب رستگاری آنها در دنیا و آخرت می‌باشد، که  
آن شرایط عبارتند از:

- ۱- چیزی را شریک خداوند قرار ندهند. ۲- دزدی نکنند. ۳- آلوده زنا نشوند. ۴- فرزندان خود را  
نکشند. ۵- تهمت و افتراء پیش خود نیاورند. ۶- و در هیچ کار شایسته مخالفت پیامبر را نکنند.
- از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده است، پس از فتح مکه چون مردان بیعت کردند، زنان برای  
بیعت آمدند، خداوند آیه را نازل فرمود و در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده به امر رسول الله  
(صلی الله علیه و آله و سلم) در ظرفی آب ریختند. حضرت دست خود را در آن فرو برد، آنگاه زنان به  
عنوان بیعت یکی یکی دست در آن فرو بردند.<sup>۲</sup>

## ۶-۲- نقش زنان در نهضت هجرت

هجرت از قوانین جاودانه حیاتو عامل تکامل و توفیق ملت ها است و اقوام بشری بوده است. از این  
رو در دین اسلام نیز به عنوان یکی از عناصر مهم فرهنگ سیاسی به شمار آمده که بقا و تداوم این  
دین آسمانی را تضمین کرده است. در زمینه هجرت در اسلام مطالب بسیار بیان شده اما درباره حضور  
زنان در این فراز سخت و شکوهمند کمتر سخن به میان آمده است. اهمیت حضور زنان در این عرصه  
این است که آنها با وجود احساسات فراوان خود از همه علقه ها و علایق دنیوی خویش گذشتند و

<sup>۱</sup> - ممتحنه (۶۰)، آیه ۱۲.

<sup>۲</sup> - علی اکبر، قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۱، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷، ص ۱۳۲.

همپای مردان به یاری و حفظ دین اسلام برخاستند.<sup>۱</sup>

زنان در نهضت بزرگ اجتماعی- سیاسی هجرت شرکت کردن و مهاجرت آنان چون مردان پذیرفته شد، آن هم در دورانی که زنان از اکثریت حقوق خویش محروم بودند و حق دخالت در کوچکترین مسائل اجتماعی را نداشتند.<sup>۲</sup>

خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ أَنْفَقُوا عَلَيْكُمْ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»<sup>۳</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که زنان با ایمان به عنوان هجرت نزد شما آیند آنها را بیازمایید- خداوند از ایمان آنها آگاه‌تر است- هر گاه آنان را مؤمن یافتید آنها را به سوی کفار باز نگردانید، نه آنها برای کفار حلال‌اند، و نه کفار برای آنها حلال، و آنچه را همسران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته‌اند به آنها بپردازید، و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هر گاه مهرشان را به آنها بدهید، و هرگز همسران کافره را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد به بلاد کفر فرار کرد) حق دارید مهری را که پرداخته‌اید. مطالبه کنید، همان گونه که آنها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده‌اند از شما مطالبه کنند، این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند و خداوند دانا و حکیم است».

شأن نزول آیه از ابن عباس روایت شده و گفته است:

«رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ حدیبیه که به صلح منتهی گشت و عهد نامه ای نوشته شد، در ضمن شرط شد؛ هر که از اهل مدینه به سوی مکه روی آورد و ملحق به مسلمانان شود، باید رد شود به کفار و هر کس از اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به سوی مکه باز گردد ملحق به کفار است، نباید به مسلمانان بازگردد؛ عهد نامه نوشته و مهر شد؛<sup>۴</sup> بعد از نوشتن صلح نامه زنی به نام سبعه اسلمی بیت الحرث در حدیبیه به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پناه جست؛ شوهرش که کافر بود به دنبال او آمده؛ گفت: یا محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) زن مرا باز گردان که شرط کرده ای؛ هر کس از ما که سمت تو آید، باز پس دهی و هنوز مرکب صلح نامه خشک نشده است. آیه نازل شد<sup>۵</sup> و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ فرمودند: آنچه در عهدنامه آمده این است؛ که اگر مردی از طرفین به طرف دیگر ملحق شود باید چنین و چنان عمل کرد و در عهد نامه درباره زنان چیزی نیامده و به همین مدرک رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آن زن را به شوهرش

<sup>۱</sup> - حبیب، زمانی محبوب، جایگاه و نقش زن در بیعت و هجرت، ماهنامه معرفت، ش ۱۷۰، ص ۹۷.

<sup>۲</sup> - محمد، حکیمی، همان کتاب، صص ۴۵-۴۴.

<sup>۳</sup> - ممتحنه (۶۰)، آیه ۱۰.

<sup>۴</sup> - محمد حسین، حسینی همدانی، تفسیر انوار درخشان، ج ۱۶، ص ۳۰۲.

<sup>۵</sup> - علی رضا، ذکاوتی قراگزلو، همان، ص ۲۲۶.



نداد و حتی مهریه ای را که شوهر به همسرش داده بود، به آن مرد برگردانید.»  
این ها مطالبی است که از آیه استفاده می شود و آیه شریفه دلالت بر احکامی مناسب این مطالب نیز دارد، البته احکام مربوط به زنان<sup>۱</sup> جمعاً هفت دستور در این آیه وارد شده که عمدتاً درباره زنان مهاجر و قسمتی نیز درباره ی زنان کافر است.<sup>۲</sup>

## ۶-۳- جهاد زنان

«قال الباقر (عليه السلام): «إن الله عزوجل كتب على الرجال الجهاد و على النساء الجهاد فجهاد الرجل أن يبدل ماله و دمه حتى يقتل في سبيل الله و جهاد المرأة أن تصبر على ما ترى من أذى زوجها و غيرته؛<sup>۳</sup> امام باقر (عليه السلام) فرمودند: راستی که خداوند بر زنان و مردان جهاد را واجب دانسته است اما جهاد مردان آن است که (برای حفظ حریم دین و مملکت) مال خون خود را بذل کنند تا این که در راه خدا کشته شوند اما جهاد زن آن است که در مقابل دشواری های زندگی شوهرش صبر کند»  
و نیز فرمودند: «جهاد المرأة حسن التبعل؛ جهاد زن، مواظبت، مراقبت و نگهداری شوهر است.»<sup>۴</sup>

در تاریخ زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، پرستاری و درمان مجروحان جنگی بر دوش زنان بود. این مشاغل با ویژگی های زنانه آنان هماهنگ بود. حضرت به همین منظور هم همسران و دختران خود را به رزم گاه می بردند و هم از دیگر زنان استفاده می کردند. روشن است که وضعیت جنگ، اضطراری است لیکن معلوم است که در غیر زمان جنگ با وجود بیماران زن، حضور زنان در مشاغل پزشکی و پرستاری اولویت و حتی ضرورت دارد؛ چرا که اغلب لمس و نظر لازمه درمان بیمار است.<sup>۵</sup>

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام جنگ برخی زنان را مأمور به مداوای مجروحان جنگی می کرد و هنگام حرکت به سوی میدان جنگ عده ای از زنان را که در معالجه بیماران و مجروحان تخصصی داشتند با خود می برد و برای آنان در کنار میدان جنگ خیمه ای برپا می کرد تا هنگام

<sup>۱</sup> - محمد باقر، موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۴۰۸-۴۰۹.

<sup>۲</sup> - احمد، علی بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۶۲؟

<sup>۳</sup> - مکارم الاخلاق، فی حق الزوج علی المرأة، بیروت، ص ۲۱۵ / علی محمد، حیدری نراقی، رساله حقوق امام سجاد شرح نراقی، چاپ بیست و پنجم، قم، انتشارات مهدی نراقی، بی تا، ص ۳۵۹.

<sup>۴</sup> - همان.

<sup>۵</sup> - فریبا، علاسوند، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۳۱.

مجروح شدن سربازان با انتقال به خیمه ها، زنان به مداوای آنان پردازند. زنان دیگر را که تخصصی در مداوا و معالجه نداشتند، به منظور دادن غذا و آب به سربازان و نگهداری از آذوقه و دیگر مسائل لشکر با خود می برد.<sup>۱</sup>

ام ایمن از زنان پرهیزگار و خدمتکار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. پیامبر ایشان را مادر خطاب می کرد و می فرمود: «هذه بقیة اهل بیتی؛ این زن باقیمانده خاندان من است.» وی همواره در کنار زنان مجاهد در جبهه جنگ به مداوای مجروحان می پرداخت.<sup>۲</sup>

امام خمینی (رحمت الله علیه) می فرماید:

«زن باید شجاع باشد، زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند، زن آدم ساز است، زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان ها پیدا می شود. مسأله اول مرد و زن بسته به وجود زن است. زن با تربیت خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور آباد می کند. مبدأ سعادت ما از دامن زن بلند می شود. زن مبدأ همه سعادت ها باید باشد. زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده ی زنان و مردان ارجمند است. خانم ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف شان این است.»<sup>۳</sup>

امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست همان طور که علم مخصوص یک طبقه نیست. همان طور که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند زن ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند، زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی هم دوش مردان باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.»<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> - ابوالفضل، گائینی، نقش جنسیت در اشتغال و دیدگاه اسلام در این باره، مجموعه مقالات همایش علمی اسلام و فمینیسم، ج ۲، ص ۴۳۳.

<sup>۲</sup> - شهلا، باقری، بانوان شیعه و فرهنگ سیاسی آنان در عصر فاطمی، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۵، ص ۶۸.

<sup>۳</sup> - طاهره، روحانی، زنان دین گستر در تاریخ اسلام، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۲۹-۳۰.

<sup>۴</sup> - روح الله، موسوی خمینی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۶.

## نتیجه گیری

زن در ادیان توحیدی از مقام و منزلت والایی برخوردار. در آیین تحریف شده یهود، برای زن هیچ گونه شخصیت و منزلتی قائل نبودند البته شکی نیست که تمامی پیامبران، مدافع ارزش و مقام زن و مخالف ستم به او بوده اند، ولی قانون های تحریف شده کتاب های مقدس، سبب شد در آیین یهود زن و دختر را مایه ننگ بدانند و در آیین مسیحیت نیز گرچه به ظاهر توصیه به مهربانی و محبت می کند و در آن مدارا با زنان سفارش شده، ولی پس از تحریف، ارزش زن در آن بسیار پایین آمد. زن شری ضروری، وسوسه ای طبیعی و ... است و زن را همان «حوای مجسم» می دانند که آدم را از فردوس برین محروم ساخت و هنوز آلتی در دست شیطان است.

اما در اسلام دریچه های روشنایی به سوی زن باز شد. در اسلام ارزشی ویژه ای به زن بخشیده شد و یازده امام از صلب دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار داده شد.

صدق و ایمان، شرع و صبر و تمام برتری ها و ویژگی ها در دین مبین اسلام میان مردان و زنان به صورت برابر بیان شده و این نشان دهنده ی استعداد و توانایی زنان در رسیدن به مراتب والای کمال و قرب الهی است.

زن از نظر معنوی دارای حقوق ویژه ای است از جمله حق آزادی و انتخاب، حق اشتغال، حق آموزش، حق مادری و همسری و دختری هر یک شایسته و دارای قوانین مرتبط با آن است، زن به عنوان یکی از ارکان اجتماع بشری، با شناخت وظایف خویش و الویت بندی آن ها می تواند هم در

نقش های فردی و هم اجتماعی دارای حق معنوی باشد، تا جایگاه انسانی، ارزشی و تربیتی همچنین جایگاه اجتماعی آن مورد غفلت قرار نگیرد، تحقق حقوق معنوی زن نیاز به بستر فکری مناسب جامعه دارد که می بایست در عرصه های حقوقی موردتوجه قرار گیرد، حق ارث، حق مهریه، حق نفقه، حق طلاق، از حقوق ثبوتی زن است که بستری است برای استیفای حقوق معنوی وی، از جمله حق پوشش، حق اشتغال و حقوق طبیعی همسری و مادری که در مسیحیت عدم توجه به طبیعت زن سبب شده دیدگاه خشونت آمیز و منفعت طلبانه ای را نسبت به زن اعمال نماید، از دیگر سو در یهودیت زن به عنوان عنصری فریب کار و شیطانی معرفی می گردد که در عرصه های مختلف اجتماعی محسوب می گردد، حتی حق طلاق نیز برای او ثابت نمی گردد، در واقع سلب حق یکی از حقوقی است که برای زن در نظر گرفته می شود.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

\* تورات

\* انجیل

۱. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغة، ج ۱، ۲، ۶، محمد هارون عبدالسلام، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۴۰۴ ق.

۲. ابوالهدی، جعفر و دیگران، کتاب بهداشت روانی در آیات قرآنی، چاپ اول، مشهد، انتشارات آهنگ قلم، ۱۳۸۹.

۳. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، چاپ بیست و هشتم، قم، ام ابیها، ۱۳۸۸.

۴. باقری، شهلا، بانوان شیعه و فرهنگ سیاسی آنان در عصر فاطمی، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۵.

۵. براتی، عبدالله، چهل حدیث حجاب، چاپ دوم، قم، اسحار، ۱۳۸۲.

۶. بستان، حسین، اسلام و تفاوت های جنسیتی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر امور بانوان وزارت کشور، ۱۳۸۸.

۷. بوکر، جین هولم، جان‌کتاب زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، چاپ اول،

تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.

۸. بیستونی، محمد، تفسیر زنان، ج ۱، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸.

۹. پروازی ایزدی، نرگس، مشارکت زنان در جامع اسلامی، دوهفته نامه گلستان قرآن، ش ۱۲۵.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد رضا دشتی، چاپ اول، قم، نغمه قرآن، ۱۳۹۴.
۱۱. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جدید، ج ۴، چاپ سوم، تهران، نشر برهان، ۱۳۹۸ق.
۱۲. جاراللهی، عذرا، مقاله تاریخچه اشتغال زن در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی ۳ و ۴.
۱۳. جاوید، محمدجواد، تأملی بر مفهوم حجاب در ادیان الهی، چاپ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.
۱۴. جمشیدی، اسدالله و دیگران، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی، جستاری در هستی شناسی زن، قم، مرکز انتشارات و مؤسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۵. جمعی از پژوهشگران، حقوق و شخصیت زن در اسلام، ج ۲، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۶. جمعی از مترجمین، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، چاپ اول، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰.
۱۷. جمعی از نویسندگان، شخصیت و حقوق زن در اسلام، مجموعه مقالات برگزیده ششمین جشنواره شیخ طوسی (رحمت الله علیه)، ج ۲، چاپ اول، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۸. حجتی، محمدباقر، اسباب النزول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۹. الحرالعالمی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۴، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۷۴.

۲۰. حقوق زن، مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶.

۲۱. حکمت نیا، محمود، حقوق زن و خانواده، ج ۳، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

۲۲. \_\_\_\_\_، حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی زن، ج ۲، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

۲۳. حکیمی، محمد، دفاعاز حقوق زن، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.

۲۴. حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد شرح نراقی، چاپ بیست و پنجم، قم، انتشارات مهدی نراقی، بی تا.

۲۵. خامنه ای، محمد رضا، فلسفه زن بودن، چاپ اول، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۵.

۲۶. خانی، هادی، حسین تربیت الگوی زنان در قرآن، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

۲۷. خطیب، مهدی، این نقش ها واقعی است، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت الله علیه).

۲۸. خمینی، احمد، سخنرانی حضرت امام در جمع دانشجویان در پاریس، ۵۷/۷/۳۰، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت الله علیه)، ۱۳۷۵.

۲۹. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان فاطمه (سلام الله علیها)، چاپ سوم، قم، انتشارات امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۸۵.

۳۰. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، عصر ایمان، کتاب سوم، ج ۱۲، چاپ هفتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.



۳۱. ذکاوتی قراگزلو، علی رضا، ترجمه تفسیر اسباب نزول، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۹۰.
۳۳. الرافعی، مصطفی، اسلام، حقوق و آزادی های اسلامی انسان و مسأله حقوق بشر، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۳۴. رضائزاد، محمد، سبحانی، محمد تقی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، چاپ سوم، بی جا، نشرهاجر، ۱۳۸۵.
۳۵. رفیعی، جعفر، زن ریحانه الهی، چاپ دوم، قم، مؤسسه یاران قائم (عجل الله تعالی فرج شریف)، ۱۳۸۶.
۳۶. روحانی، طاهره، زنان دین گستر در تاریخ اسلام، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۷. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۴۰، ?? دارالهدایه، مجموعه من المحققین.
۳۸. زمانی محبوب، حبیب، جایگاه و نقش زن در بیعت و هجرت، ماهنامه معرفت، ش ۱۷۰.
۳۹. سادات مرتضوی، مرضیه، سادات مدنی، زهرا، مقاله زن و آزادی، به نقل از کتاب زینت عفاف، ستاره هدایت خواه.
۴۰. سبحانی، هاله، حقوق و وظایف زن از نگاه قرآن، بازتاب اندیشه، ۱۳۸۵، ش ۷۷.
۴۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ترجمه حسین قاسمی، ج ۲، چاپ هفتم، قم، ونک، ۱۳۹۲.
۴۲. صفایی، حسین، امامی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۱، تهران، مؤسسه و انتشارات چاپ تهران، ۱۳۷۵.

۴۳. طاهری نیا، احمد، حضور زن در عرصه های اجتماعی-اقتصادی از نگاه آیات و روایات، چاپ

دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (رحمت الله علیه)، ۱۳۸۹.

۴۴. \_\_\_\_\_، فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن، ماهنامه معرفت، ش ۸۳.

۴۵. طوسی، محمد بن حسن بن حمزه، الخلاف، ج ۳، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۶.

۴۶. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین، الروضة البهیه، ج ۵، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ق.

۴۷. عاملی، باقر، حقوق خانواده، تهران، مدرسه عالی دختران ایران، ۱۳۵۰.

۴۸. علاسوند، فربیا، زن در اسلام، ج ۲، چاپ اول، قم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۰.

۴۹. علیجانی، رضا، زن در متون مقدس، زن در آیین یهود، تهران، نشر روشنگران و مطالعات زنان،

۱۳۸۹.

۵۰. علیشاهی قلعه جوخی، ابوالفضل، بی بی زینب حسینی، مقاله زن پژوهی در قرآن کریم (گروه

معارف و مبانی) حوزه معنایی واژه نساء در قرآن کریم.

۵۱. عمید، حسین، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.

۵۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۷، تحقیق مهدی محزومی و ابراهیم سامرای، قم، مؤسسه

دارالهجر، ۱۴۱۰ق.

۵۳. فضل الله، محمد حسین، تأملات اسلامیة حول المرأة، الطبعة السادسة، بیروت، دارالملک، ۱۹۹۷م.

۵۴. \_\_\_\_\_، دینا المرأة محاوره سهام حمیه، الطبعة الرابعة، بیروت، دارالملک،

۱۹۹۸م.

۵۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۲، چاپ ۱۱، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

۵۶. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۱، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.

۵۷. کابلی، سردار، **شخصیت و حقوق زن در اسلام**، انجیل برنا، ترجمه حیدر؟؟ قزلباش، ج ۲، مطبعه سعادت کرمانشاه.

۵۸. کریمی، حمید، زن و مرد، تشابه، تساوی، یا تناسب، چاپ اول، قم، هاجر، ۱۳۹۱.

۵۹. کشوری، امین، **حضور اجتماعی و نقش های زنانه**، چاپ اول، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴.

۶۰. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.

۶۱. کوثری، یدالله، **بهداشت روانی خانواده**، بی جا، زمزم هدایت، بی تا.

۶۲. کهن، ابراهام، **گنجینه ای از تلمود**، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲

۶۳. مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، ج ۵۳، بی جا، مکتبه الاسلامیه، بی تا.

۶۴. محمد، شریف عبدالعظیم، **زن در اسلام، مسیحیت و یهودیت**، ترجمه مهدی گلجان، قم، هاجر، ۱۳۸۸.

۶۵. محمدی ری شهری، محمد، **دانش نامه قرآن و علوم حدیث**، ج ۳ و ۴، چاپ دوم، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۱.

۶۶. مددپور، محمد، **سیر حکمت و هنر مسیحی**، ج ۲، چاپ اول، بی جا، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۱.

۶۷. مدرسی، محمد تقی، **تفسیر هدایت**، ج ۲، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.

۶۸. مرنیسی، فاطمه، **زنان پرده نشین و نخبگان جوش پوش**، ترجمه ملیحه مفازه ای، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.

۶۹. مصباح یزدی، محمدتقی، **جامی از زلال کوثر**، تحقیق و نگارش محمد باقر حیدری، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت الله علیه)، ۱۳۸۰.

۷۰. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، ج ۱۸، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۷۱. \_\_\_\_\_، **مسأله حجاب**، چاپ هشتاد و سوم، تهران، صدرا، ۱۳۸۸.

۷۲. \_\_\_\_\_ نظام حقوق زن در اسلام، چاپ پنجاه و پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۸۹.
۷۳. معاونت تبلیغی فرهنگی، جستارهایی درباره‌ی مسیحیت، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ترجمه موسوی همدانی، ج ۲، چاپ اول، تهران، دارالعلم، ۱۳۸۵.
۷۵. \_\_\_\_\_، ناصر، زن در تفسیر نمونه، تهیه و تنظیم سعید داوودی، چاپ اول، قم، انتشارات امام علی (علیه السلام)، ۱۳۹۳.
۷۶. منتسکیو، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۳۹.
۷۷. موسوی خمینی، روح الله، در جستجوی راه کلام امام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۷۸. \_\_\_\_\_، صحیفه نور، ج ۱۶، برگرفته از فاطمه صفری، الگوی اجتماعی، پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی بر اساس دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)، چاپ ششم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
۷۹. موسوی همدانی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۸۰. مهریزی، مهدی، زن در اندیشه اسلامی، چاپ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۸۱. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، بی جا، ۱۳۷۳.
۸۲. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، ج ۱۶، چاپ اول، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ ق.
۸۳. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ ششم، ج ۳۱، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۴۰۰ ق.
۸۴. نیکوبرش، فرزانه، زن، توسعه و لزوم برنامه ریزی جنسیتی، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت ها و رویکردها، ج ۱، بی جا، بی نا، بی تا.

۸۵. هاجری، عبدالرسول، **فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو**، چاپ دوم، قم، بی نا، ۱۳۸۶.
۸۶. هدایت خواه، ستاره، **زیور عفاف**، مشهد، معاونت پرورشی اداره کل آموزش و پرورش خراسان، بی تا.
۸۷. همدانی، محمد حسین، **تفسیر انوار درخشان**، تحقیق محمد باقر مهبودی، ج ۱۲، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۸۸. یزدخواستی، بهجت، کلود لوتراند، ماری، **فراسوی حجاب**، ترجمه صفیه غایی، چاپ اول، تهران، معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات، ۱۳۸۵.

#### بیانات:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه عقد در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۷۸، برگرفته از: محمد جواد حاج، اکبری، **مطلع عشق**.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۵/۶/۲۸، برگرفته از حسن، قدوسی زاده، **نکته های ناب**، ج ۵، چاپ ششم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
۳. بیانات مقام معظم رهبری، در اجتماع بانوان خوزستان در تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۷۵، برگرفته از: زن و بازیابی هویت حقیقی.
۴. بیانات مقام معظم رهبری، در خطبه عقد، ۱۳۷۸/۱۲/۲۲، برگرفته از: تدوین محمدرضا خدادادی، بروید با هم بسازید: توصیه هایی درباره همسررداری، چاپ هیجدهم، تهران، سروش ملل، ۱۳۹۰.
۵. بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۶۸، برگرفته از حسن قدوسی زاده، **نکته های ناب**، ج ۴.
۶. بیانات مقام معظم رهبری، گروهی از پزشکان زن، ۱۳۸۶/۱۰/۲۶، برگرفته از امیرحسین بانکی پور فرد، **آئینه زن**، چاپ اول، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۱.